

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

از ایرانمان دفاع می‌کنیم

ویژه دانش‌آموزان
دوره اول متوسطه





وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:

از ایراتمان دفاع می‌کنیم - ویژه دانش‌آموزان دوره اول متوسطه - ۷۶۵

پدیدآورنده:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

محمدحسین آشنا، سیده‌طاهره آقامیری، احمد احمدی، سارا ابراهیمی، زهرا ابوالحسنی، کوثر احسن مقدم، سمیرا اسکندرپور، حمیدرضا اشترانی، حامد اشتری، صالح اصغری، محمد اصغری، محمد مهدی اعتصامی، مهدی افراز، کوروش امیری‌نیا، مجتبی انصاری‌پور، شهرام ایرانی، فواد ایزدی، سیدمهدی باقریان، خدیجه بختیاری، فاطمه بهروزفخر، عباس بیات، اباصالح تقی‌زاده، مهدی جلالی، عباس حضرتی، ابوذر حسام‌پور، محمدحسین حیدری، فاطمه خطیب، عیسی احمدی خواجه‌وند، مصطفی خوش‌چشم، رضا خیرآبادی، معصومه خیرآبادی، سیدمحمد دلیری، محمدجواد رحمان‌پور، حبیب رحیم‌پور از غدی، پریسا رضایی، طیبیه‌سادات رضوی، رقیه رودسرای، محمدعلی روزبهانی، معصومه زرلکی، حسن زیار، محمدحسین سرانجام، حکیمه سقایی‌بی‌ریا، رضا سلامت‌پناه، علی سلطانی، محمدصالح سلطانی، امیرحسین سلیمانی، سجاد سیاح، عبدالرضا شفیعی، یاسین شکرانی، حسین شهسورزی، زینب شوندی، عطیه‌سادات صالحیان، سیده‌سمیه طباطبایی، بیژن عبدالکریمی، میلاد عرفان‌پور، زهرا عصا، محمود عظیمی‌پور، علی علیزاده، لطیف عیوضی، علی فتاحی، حامد فخری‌زاده، مهدی فخری‌زاده، مسعود فرجاد تهرانی، مائده فضلعلی‌زاده، سیدغلامرضا فلسفی، سیدمجتبی قافله‌باشی، محسن قنبریان، شایان کریمی، مازیار کوچکی، سیداحسان گلپر، علی لطیفی، محمدکفاش، حسین مهدی‌زاده، حمیدرضا مقدم‌فر، فخری ملکی، احسان مرصوصی، میثم مهدیار، مصطفی نوذری، محمدرضا مهدی‌پور، نجمه محمدی، الهام مقیسه، عاطفه میرصانع، نهال موسوی، محمد مهرابی، محمدرضا امینی، ملاحث نجفی، نفیسه نجفی‌قدسی، نسیم نوروزی، احسان وادی‌الاسلامی و آرش وکیلان (همکاران تألیف) - محمدحسین نجفی (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری:

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی:

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مجتبی زند (طراح گرافیک) - مهلا مرتضوی (صفحه‌آرا) - سعید شمس (طراح جلد) - حسین براتی، حسین جریان‌پور (تصویرسازی پشت جلد) - فاطمه رئیس‌یان فیروزآباد (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان:

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۰۲۶۶-۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۳۵۹

وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۰۲۶۶-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۰۲۶۶-۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه:

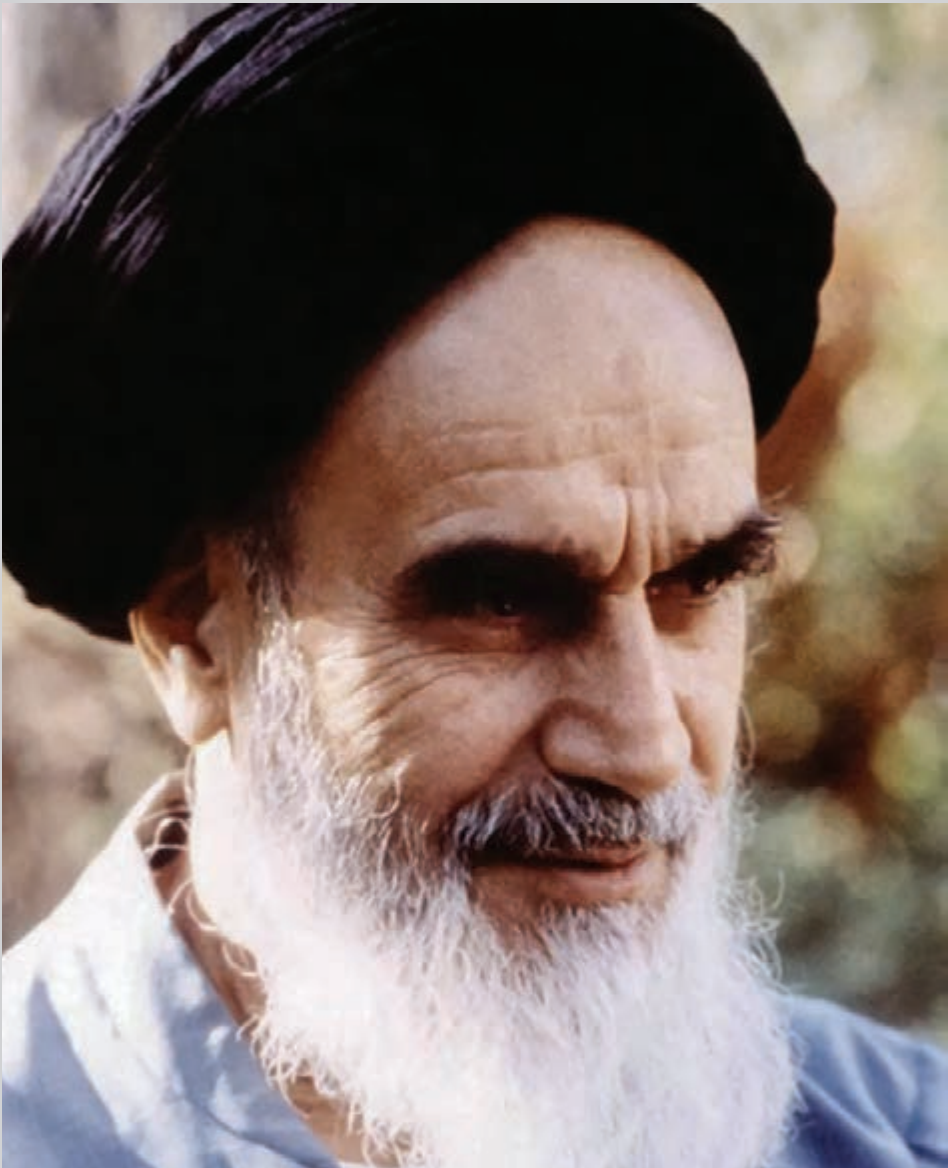
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ اول ۱۴۰۴

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۷۶۶-۴

ISBN: 978-964-05-3766-4



ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نمودیم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناختیم، ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم. (صحیفه امام خمینی، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳)

فهرست



۵ / سخنی با دبیران

۹ / سخنی با دانش آموز

۱۱ / درس اول / منطقه ما



۱۷ / درس دوم / آنها



۲۳ / درس سوم / جبهه ما و آنها



۲۹ / درس چهارم / ایران ما



۳۹ / درس پنجم / مدرسه محله ما



۴۱ / درس ششم / هنر ما



۴۹ / درس هفتم / فناوری ما



۵۵ / درس هشتم / دفاع ما



سخنی با دبیران

پس از حمله رژیم صهیونی به کشورمان، اقشار مختلف مردم با حفظ اتحادی بی نظیر و همدلی برای رفع مسائل تلاش کردند و توانستند سهم بزرگی در پیروزی جمهوری اسلامی ایران در این جنگ داشته باشند. نیروهای مسلح با جان فشانی، اقتدار و نقش تعیین کننده خود پاسخی مناسب به رژیم کودک کش دادند. همه این تلاش های مردم و نیروهای مسلح با رهبری حضرت آیت الله خامنه ای ^{مدظله العالی} به عنوان عامل وحدت بخش و مدیری جامع نگر توانست منجر به پیروزی ایران در این جنگ شود.

کتاب حاضر با عنوان «از ایرانمان دفاع می کنیم» در کنار بسته معاونت پرورشی و فرهنگی با نام «ایرانمون» به عنوان مجموعه ای از فعالیت های جامع مدرسه ای و نه فقط برای کلاس درس توصیه شده است. این کتاب با هدف فراهم آوردن فرصت های تربیتی مناسب برای دانش آموزان دوره اول متوسطه تدوین شده است تا دبیران و مربیان پرورشی از طریق ایجاد موقعیت های یادگیری، گفت و گویی فعالانه و سازنده با دانش آموزان داشته باشند، نظرات آنها را بشنوند، احساساتشان را درک کنند و دانش آموزان را با عوامل مؤثر در فرایند جنگ ۱۲ روزه و ابعاد مختلف آن آشنا کنند. این کتاب شامل هشت درس ویژه دانش آموزان دوره اول متوسطه و برای ۳۰ ساعت آموزشی ناظر به اهداف زیر سازمان دهی شده است:

- **درس اول «منطقه ما»:** شناخت ویژگی های خاص، چالش ها و فرصت های منطقه غرب آسیا، چشم طمع بیگانگان به فرصت های این منطقه و معرفی رژیم صهیونی به عنوان بیگانه این خانه و خانواده.
- **درس دوم «آنها»:** شناخت رژیم صهیونی براساس ویژگی های بارز و شکل تولد آن و نسبت آمریکا و انگلیس با این رژیم.
- **درس سوم «جبهه ما و آنها»:** معرفی جنگ ترکیبی و عرصه های متنوع آن به عنوان آوردگاه مبارزه ما با اسرائیل، معرفی جنگ شناختی به عنوان هسته جنگ ترکیبی و کسب مهارت های بررسی خبر.
- **درس چهارم «ایران ما»:** نقش بی بدیل همدلی و اتحاد مردم، چگونگی مشارکت و کمک اقشار و مشاغل مختلف در جامعه ایرانی به ویژه در جنگ ۱۲ روزه و لزوم تداوم این همدلی و اتحاد.
- **درس پنجم «مدرسه ما»:** نقش تربیتی مدرسه در ایام جنگ و پدافند غیرعامل.
- **درس ششم «هنر ما»:** نقش هنر و رسانه در ایجاد، ترویج و تقویت روحیه جمعی و اهمیت آن در رساندن اخبار، پیام ها و نگرش های درست به جامعه و نقش هنر در ایجاد هویت.
- **درس هفتم «فناوری ما»:** نقش فناوری هسته ای و موشکی در جنگ و داستان این دو فناوری از وابستگی تا خودکفایی و نوآوری.

■ **درس هشتم «دفاع ما»:** آشنایی با وجوه مختلف نصرت الهی در جنگ، مرور مهم‌ترین اتفاقات و رخدادهای جنگ ۱۲ روزه و دستیابی به سرخطهایی برای بررسی و تحلیل چگونگی عملکرد ما در این جنگ.

همان‌طور که در بالا گفته شد محتوای این کتاب برای ۳۰ ساعت آموزشی در نظر گرفته شده و تحقق مناسب آن نیازمند همکاری و هماهنگی همه عوامل مدرسه از جمله مدیر محترم به‌عنوان مهم‌ترین حامی و ضامن اجرای برنامه‌ها در مدرسه و معاونان گرامی به‌خصوص معاون پرورشی یا مربی تربیتی به‌عنوان هماهنگ‌کننده، همراه و یاری‌رسان برای اجرا به‌صورت گروهی یا رویداد در مدرسه یا تدریس در کلاس است.

این کتاب برای پایه‌های هفتم، هشتم و نهم به‌صورت مشترک تدوین و تألیف شده است. هر مدرسه می‌تواند در زمان اجرای این کتاب متناسب با شرایط و اقتضائات مدرسه و کلاس درس به‌صورت منعطف عمل کند. با این حال روش‌های زیر برای زمان اجرای این ۸ درس پیشنهاد می‌شود.

■ دبیر با همکاری معاون پرورشی یا مربی تربیتی مدرسه به صورت چند کلاس هم‌پایه یا غیرهم‌پایه با توجه به جمعیت مدرسه و کلاس، کتاب را تدریس نماید.

■ دبیر در طول هفته به صورت کلاسی درس‌های این کتاب را در ساعت برخی موضوعات درسی از جمله مطالعات اجتماعی، تفکر و سبک زندگی، آمادگی دفاعی و... طبق آنچه در جدول راهنمای ارتباط با موضوعات درسی دوره اول متوسطه آمده است تلفیق کند و در اجرا از معاونت پرورشی یا مربی تربیتی مدرسه کمک بگیرد.

■ این برنامه می‌تواند در قالب رویدادهای یک‌روزه داخل یا خارج از مدرسه به صورت چند کلاس هم‌پایه یا غیرهم‌پایه با هم نیز اجرا شود.

ساختار درس‌ها

بدنه اصلی درس: متن درس است که با خلاقیت معلم می‌تواند به صورت ارائه، تدریس معکوس، اجرای نمایش و... تدریس شود.

فعالیت‌های یادگیری: موقعیت‌های یادگیری برای تثبیت و تعمیق مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌های هر درس است که توصیه می‌شود با همفکری و همکاری و به‌صورت کارگروهی انجام شود.

رمزینه‌ها: شامل محتوای تکمیلی هستند که دبیر محترم می‌تواند به عنوان ایجاد انگیزه در ابتدای تدریس یا مکمل یادگیری از آنها استفاده نماید.

دروس این کتاب، معمولاً حداقل با یکی از درس‌های دوره اول متوسطه تناسب بیشتری دارد. از این‌رو، دبیران این درس یا هر دبیر علاقه‌مند و توانمند دیگری می‌تواند مطابق با شیوه‌نامه، به تدریس این درس بپردازد.

ارتباط درس‌های کتاب «از ایرانمان دفاع می‌کنیم» با دروس دورهٔ اول متوسطه

عنوان درس	پایه	عنوان دروس عمومی متناسب
منطقهٔ ما	هفتم	مطالعات اجتماعی
	هشتم	مطالعات اجتماعی
	نهم	مطالعات اجتماعی
آنها	هفتم	مطالعات اجتماعی
	هشتم	مطالعات اجتماعی
	نهم	مطالعات اجتماعی
جبههٔ ما و آنها	هفتم	تفکر و سبک زندگی
	هشتم	تفکر و سبک زندگی
	نهم	آمادگی دفاعی
ایران ما	هفتم	مطالعات اجتماعی - فارسی
	هشتم	مطالعات اجتماعی - فارسی
	نهم	مطالعات اجتماعی - فارسی
مدرسهٔ ما	هفتم	تفکر و سبک زندگی - مطالعات اجتماعی
	هشتم	تفکر و سبک زندگی - مطالعات اجتماعی
	نهم	آمادگی دفاعی - مطالعات اجتماعی
هنر ما	هفتم	فرهنگ و هنر - فارسی
	هشتم	فرهنگ و هنر - فارسی
	نهم	فرهنگ و هنر - فارسی
فناوری ما	هفتم	کار و فناوری - علوم تجربی
	هشتم	کار و فناوری - علوم تجربی
	نهم	کار و فناوری - علوم تجربی
دفاع ما	هفتم	پیام‌های آسمان - از من تا خدا - مطالعات اجتماعی
	هشتم	پیام‌های آسمان - از من تا خدا - مطالعات اجتماعی
	نهم	پیام‌های آسمان - از من تا خدا - آمادگی دفاعی

توصیه می‌شود برای تدریس این کتاب از ظرفیت‌های بومی استان، شهر یا روستای خود از جمله اردوگاه‌ها، مساجد، کتابخانه‌ها، فرهنگ‌سراها، موزه‌ها، باغ‌موزه‌های دفاع مقدس، گلزار شهدا، ساختمان‌های آسیب‌دیده در جنگ و... استفاده نمایید.

همچنین پیشنهاد می‌شود از اقشار مختلف مردم که در طول ۱۲ روز جنگ با رژیم صهیونی نقش فعالانه ایفا کردند از جمله والدین دانش‌آموزان و به‌ویژه نیروهای مسلح در کلاس و مدرسه دعوت به عمل آید. توضیحات بیشتر دربارهٔ چگونگی اجرا، در ضمن شیوه‌نامه‌ای که به همین منظور ابلاغ خواهد شد، ارائه می‌گردد. دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری از اساتید، صاحب‌نظران، مسئولین، دبیران، کارشناسان، نویسندگان، شاعران، تصویرگران، گروه‌های هنری و... که در طراحی و تدوین این کتاب همکاری داشته‌اند صمیمانه تشکر می‌کند. همکاران گرامی می‌توانند انتقادهای خود را در خصوص این کتاب از طریق سامانهٔ nazar.roshd.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری



سخنی با دانش آموز

دانش آموزان عزیز، سلام!

بامداد جمعه ۲۳ خردادماه امسال، هنوز آفتاب زده بود که حمله ناگهانی رژیم اسرائیل به کشور عزیزمان، روال عادی زندگی خیلی از ما را به هم زد. این اتفاق، یک اتفاق مهم در تاریخ ایران بود که در زمان زندگی ما رخ داد. درست است که همه شهرها و مناطق کشور، یک جور درگیر این جنگ نبودند، ولی بالاخره همه ما در دل زمانه‌ای که این جنگ در آن اتفاق افتاد، بودیم و هر کداممان به نوعی، درک و دریافت و تجربه و احساسی از آن داریم.

حتماً شما هم از آن روز تاکنون، درباره این جنگ و حوادث آن، با دوستان و آشنایان خود گفت‌وگو کرده‌اید. این جنگ و حوادث مرتبط با آن، فرصتی را برای همه ما فراهم کرده تا یک بار دیگر، درباره خیلی چیزها که به خودمان و به وطنمان مربوط می‌شود، بخوانیم، بررسی کنیم، ببینیم، بشنویم و گفت‌وگو کنیم و مهم‌تر از همه اینها، فکر کنیم. این کتاب و درس‌هایش، می‌خواهند به شما کمک کنند تا فرصت خواندن، دیدن و شنیدن، گفت‌وگو کردن و فکر کردن درباره این حادثه مهم تاریخ ایران و مسائل مرتبط با آن برای شما فراهم شود. هر یک از درس‌ها و فعالیت‌های این کتاب، می‌تواند موضوع یک یا چند جلسه از درس تاریخ، جغرافیا، دینی، فارسی یا هر درس دیگری از کلاس، یا برگزاری یک رویداد یا برنامه ویژه در مدرسه‌تان باشد، یا حتی موضوع و بهانه‌ای برای یک گفت‌وگوی دوستانه یا خانوادگی. حتی می‌توانید خودتان متن‌ها را بخوانید، تصاویر و فیلم‌ها را ببینید و درباره آنها تأمل کنید.

شما خودتان هم این واقعه تاریخی مهم را درک کردید و بخشی از آن بودید. برای همین، نظر شما درباره آن و روایت شما از آن، شنیدنی و مهم است. به همین خاطر، درس‌ها و فعالیت‌های این کتاب طوری طراحی شده‌اند که شما هم بتوانید روایت خود را ارائه کنید. ما هم به واسطه این رمزینه، مشتاق شنیدن نظرات و روایت‌های شما و دیدن کارهای خوبتان هستیم.



پوشش‌ها و ارتباط با ما

به سربلندی و بر بزم استوار گد



منطقه ما

اگر قاره آسیا را به سه قسمت خاور (شرق)، مرکز و باختر (غرب) تقسیم کنیم؛ کشورهایی مانند ایران، بخش‌هایی از ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، عربستان، یمن و... در غرب آسیا واقع شده‌اند. کشورهایی مانند ژاپن، کره، بخش‌هایی از چین در شرق آن و کشورهایی مانند تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان در مرکز آن قرار دارند.

غرب آسیا محل ظهور تمدن‌های کهن نظیر آریایی، سومری و بابلی و آیین‌های یهود، مسیحیت و اسلام است. ذخایر بزرگ نفت و گاز و تنگه‌ها و آبراه‌های مهمی در این منطقه قرار دارد و خلاصه، ده‌ها ویژگی منحصر به فرد دیگر. در میان کشورهای غرب آسیا، ایران جایگاه ممتاز و تاریخ ویژه‌ای دارد که هیچ‌کس در دنیا نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. همین جایگاه، زمینه دوستی‌ها و نیز دشمنی‌هایی بوده که در تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر، به شکل‌های گوناگون خود را نشان داده است.

با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

به نقشه منطقه (صفحه مقابل) نگاه کنید. نام کدام شهرها برایتان آشناست؟ هر کدام از این شهرها شما را یاد چه چیزی می‌اندازند؟ چه شخصیت‌های برجسته علمی، فرهنگی، هنری، ادبی، سیاسی، اجتماعی و ورزشی یا میراث فرهنگی برجسته‌ای را می‌شناسید که متعلق به این کشورها و شهرها هستند؟

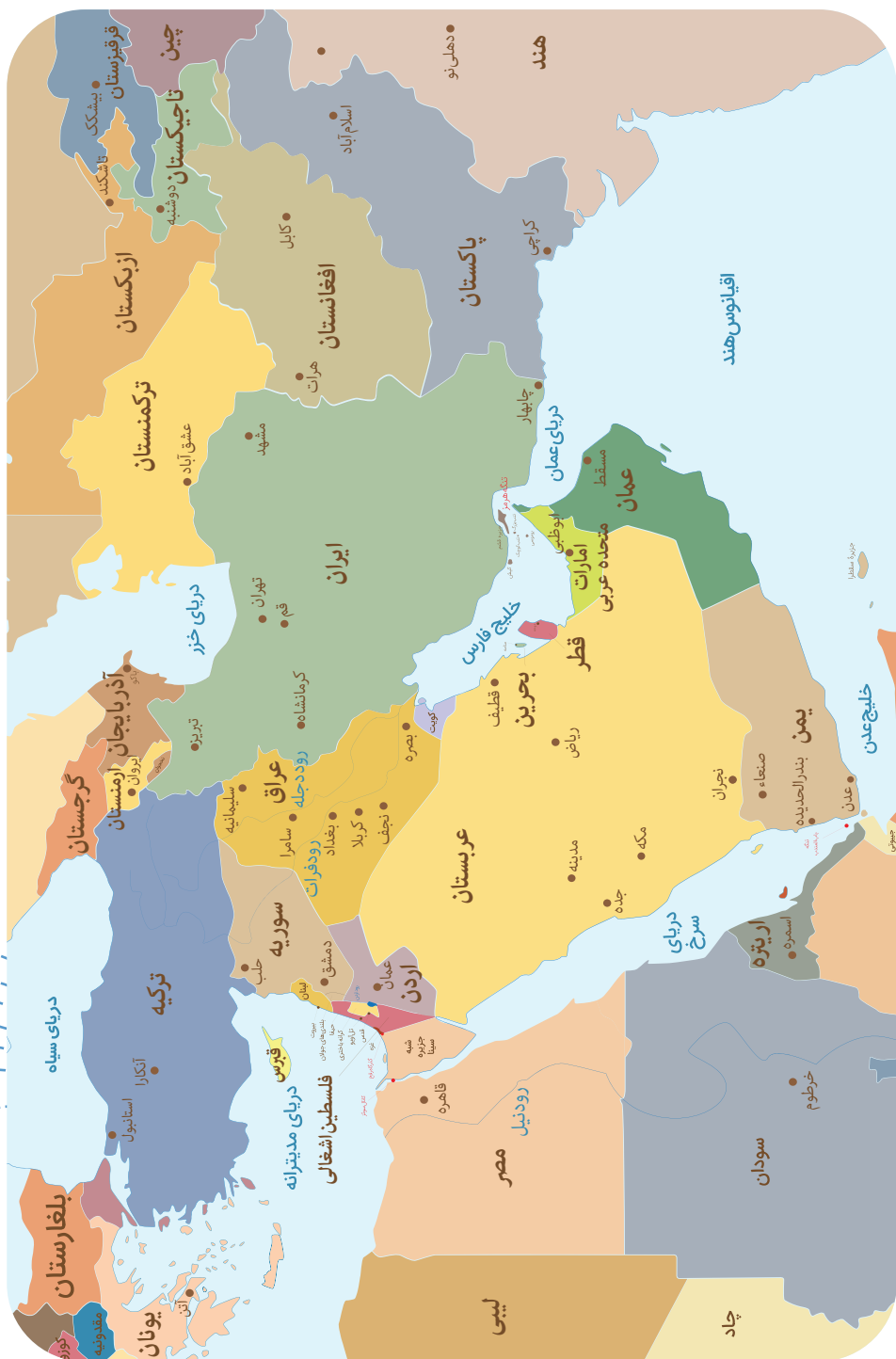


خانه ما

در نقشه جهان، دست خود را روی ایران بگذارید و به اطراف نگاه کنید: پنج دریای مهم اطراف را پیدا کنید.
شمال: دریای خزر | شمال غرب: دریای سیاه | غرب: دریای مدیترانه
جنوب غرب: دریای سرخ | جنوب: دریای عمان و خلیج فارس

اگر خطی از شرقی‌ترین نقطه آسیا (ژاپن) به غربی‌ترین نقطه اروپا (پرتغال) و خطی دیگر از شمالی‌ترین نقطه روسیه به جنوبی‌ترین نقطه آفریقا بکشید، این دو خط همدیگر را در حوالی ایران و کشورهای همسایه‌اش و در میانه این پنج دریا قطع می‌کنند. تصور کنید ۲۰۰۰ سال پیش زندگی می‌کردید. نه هواپیما بود، نه قطار و نه حتی ماشین! کشتی‌ها هم فقط می‌توانستند نزدیک ساحل حرکت کنند. مردم چگونه از چین به اروپا می‌رفتند؟ این مسیر دقیقاً از وسط ایران و کشورها و دریاها و آبراه‌های این منطقه می‌گذشت. بیش از ۸۰ درصد تجارت جهان از این منطقه عبور می‌کرد. ابریشم چین، ادویه هند و طلای آفریقا از اینجا رد می‌شدند. وقتی همهٔ تجار از شهری عبور کنند آن شهر ثروتمند می‌شود. وقتی همهٔ دانشمندان در جایی با یکدیگر ملاقات کنند، آنجا مرکز علم می‌شود.





منطقه ما، در مرکز خشکی‌های به هم پیوسته جهان واقع شده است و به همین دلیل، از هزاران سال پیش تا به امروز، مهم‌ترین شاهراه‌های آبی و خاکی جهان از آب‌ها و خاک‌های این منطقه عبور می‌کنند. پس هر قدرتی که بتواند آب‌ها و خاک‌های این منطقه را در دست بگیرد، نبض تجارت جهانی را در دست گرفته است. این یعنی همه کشورهایی که می‌خواهند نقشی در تجارت جهانی ایفا کنند، به این منطقه وابسته‌اند.

امروزه ثابت شده است این منطقه، کانون انرژی جهان است و حداقل ۲۵٪ انرژی جهان در آن وجود دارد. خاورمیانه (یا به عبارت بهتر، غرب آسیا) قطب نفت بوده و تاریخ معاصر بدون قصه نفت روایت نمی‌شود. از نظر منابع انسانی نیز، این منطقه جوان‌ترین منطقه جهان است. غرب آسیا با این ویژگی‌هایش، زمینه پیشرفت چشمگیر کشورهای عضو و ساکنان آن است. جالب این است که کشور عزیز ما نیز در این منطقه، ویژگی‌های خاص خودش را دارد، از جمله اینکه یکی از بزرگ‌ترین کشورهای این منطقه است و با کشورهای متعددی مرز خاکی یا آبی دارد. با این موقعیت و این همه فرصت فوق‌العاده، آیا این جغرافیای منحصر به فرد و ارزشمند را قدر دانسته‌ایم؟ چه کارهایی برای بهره بردن باید انجام دهیم؟

✪ خانواده ما

منطقه ما مهد تمدن بشری است و مردم غرب آسیا در شکل‌گیری تمدن‌های این منطقه سهیم بوده و همکاری کرده‌اند. ادیان بزرگ توحیدی، از دین زرتشت تا اسلام، در غرب آسیا ظهور کرده‌اند. دین اسلام از همین سرزمین تا آخرین نقطه شرق آسیا (مالزی و اندونزی) و تا سراسر جنوب اروپا (بوسنی و اسپانیا) و تا شمال آفریقا (الجزایر و مراکش) گسترش یافته است. کعبه، خانه خدا، در مکه و مسجدالاقصی در بیت المقدس در همین منطقه قرار دارند. بیشتر پیامبران الهی در نقاط مختلف همین سرزمین زندگی کرده‌اند و به پیامبری رسیده‌اند. مردمان این منطقه با اینکه در کشورهای مختلفی زندگی می‌کنند، اما شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند؛ در خوراک، پوشاک، خانواده‌داری، مسافرت، عبادت، زبان و خلاصه در سبک زندگی بسیار به هم نزدیک هستند. پس، غرب آسیا تنها خانه ما نیست، بلکه مردم این منطقه، هم «خانواده ما» هستند، یک خانواده بزرگ تاریخی که همچنان، در غم و شادی و رنج و لذت همدیگر شریک می‌شویم.



کلیسای قیامت در جوار مسجد قبة الصخره
در شهر بیت المقدس



مراسم حج و اربعین حسینی، نمایانگر اتحاد
اقوام و مذاهب

آیا این موقعیت ویژه و این همه ثروت در منطقه ما، بدون خطر و تهدید هست؟ متأسفانه پاسخ «نه» است. قدرت‌های بزرگ جهان در طول تاریخ، همیشه سعی کرده‌اند با روش‌های مختلف (از حمله نظامی گرفته تا استفاده از حکومت‌های ضعیف محلی به عنوان دست نشانده خود) از قدرت کشورهای بزرگ این منطقه کم کنند. زیرا وجود یک کشور قدرتمند و مستقل در چنین منطقه مهمی، مانع غارت منابع منطقه توسط آنها شده و می‌شود. به همین خاطر، این قدرت‌ها همیشه به فکر تجزیه و تضعیف کشورهای بزرگ و قوی در این منطقه بوده‌اند. به این مثال‌های تاریخی دقت کنید:

■ در دوره قاجار، روسیه تزاری با قراردادهای گلستان و ترکمانچای، سرزمین‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان امروزی را از ایران جدا کرد. در پیمان آخال نیز مناطقی که شامل ترکمنستان، قزاقستان و تاجیکستان امروزی می‌شود، از ایران گرفته شد؛

■ از طرف دیگر، انگلیس نیز در توافقی، بخش زیادی از افغانستان شامل هرات را از ایران جدا کرد و در قرارداد گلداسمیت، بخش‌هایی از بلوچستان را از خاک ما گرفت.

■ امپراتوری عثمانی، دیگر کشور بزرگ منطقه نیز طعم تلخ تجزیه را چشید. کشورهای اردن، سوریه، لبنان، عراق، فلسطین و عربستان، همگی قبلاً بخشی از عثمانی بودند، ولی انگلیس و فرانسه، پشت پرده توافق کردند که پس از جنگ جهانی اول، این امپراتوری بزرگ را به چندین کشور کوچک‌تر تقسیم کنند.

هدف اصلی از همه این اقدامات، تضعیف کشورهای بزرگ و قوی در منطقه بود. آنها نمی‌خواستند در مهم‌ترین منطقه جهان، یک کشور بزرگ و قدرتمند وجود داشته باشد تا خودش با آزادی و استقلال، تصمیم‌گیرنده باشد. این قصه هنوز هم ادامه دارد و کشورهای سلطه‌گر دنیا، هنوز هم دوست دارند نقشه منطقه ما را به شکلی که به نفع خودشان است، تغییر دهند. یک نمونه دیگر، یک طرح آمریکایی به نام «خاورمیانه جدید» بود که در سال ۱۳۸۵ رونمایی شد. هدف این طرح ایجاد درگیری و جنگ بین مردم منطقه و دولت‌ها بود، تا کشورهای منطقه ضعیف شوند. زیرا برای قدرت‌های زورگو، مدیریت و کنترل منطقه‌ای که کشورهای آن ضعیف و با هم درگیر هستند، بسیار آسان‌تر از روبه‌رو شدن با کشورهای بزرگ، قدرتمند و مستقلی است که می‌توانند در برابر خواسته‌های آنها بایستند.



نمایندگان انگلستان، روسیه، اتریش - مجارستان و فرانسه که مشغول تکه‌تکه کردن نقشه عثمانی هستند و نماینده عثمانی، بی‌قدرت و ناتوان به تماشا نشسته است.

حالا در این منطقه ما، یک اتفاق عجیب و خطرناک افتاده که در هیچ جای دیگر دنیا نمونه‌اش را نمی‌بینید! تنها موجودیت سیاسی در جهان که سرزمین‌های دیگران را با زور، تصرف کرده، مرزهای مشخص و ثابتی نداشته و مردمش را هم از سرزمین‌های مختلف جهان جمع کرده و در آنجا ساکن کرده است! این غریبه خطرناک که خودش را به خانه و خانواده ما تحمیل کرده، تنها بیگانه منطقه ماست. در درس بعد، بیشتر با این غریبه مشکوک و تاریخچه عجیبش آشنا خواهیم شد.

دست به کار شوید!

- نقشه‌هایی از جغرافیا و موقعیت منحصر به فرد منطقه غرب آسیا با تکیه بر گذرگاه‌ها و منابع انرژی ترسیم کنید و برای ارائه آنها، نمایشگاهی در مدرسه یا محله خود برپا کنید.
- یک شعر، سرود، مداحی یا موسیقی (به زبان‌های مختلف مردم منطقه) با مضمون مقاومت یا اشتراکات فرهنگی مردم منطقه پیدا کنید و آن را در کلاس درس یا نمایشگاه مدرسه پخش کنید.
- با مراجعه به اینترنت، نقشه‌هایی در موضوعاتی همچون وضعیت انرژی، ذخایر نفت و گاز، مسیرهای ترانزیتی هوایی، زمینی و دریایی و ... بیابید که نشان دهنده اهمیت منطقه غرب آسیا هستند.



درس دوم

آنها



اسرائیل از یک زاویه متفاوت!

ما ایرانی‌ها بعد از خرداد و تیر ۱۴۰۴، از رژیم اسرائیل یک تجربه و درک جدیدی داریم. آنها ما را تهدید کرده و به‌طور مستقیم به ایران ما حمله کردند. حالا که به تجربه متفاوتی درباره این رژیم دست پیدا کرده‌ایم، وقت خوبی است که از زاویه‌ای دیگر به اسرائیل نگاه کنیم که چطور موجودی است و واقعاً مسئله‌اش با ایران چیست؟

آنها از کجا آمدند؟

برای آن که بتوانیم یک حکومت را به درستی ارزیابی کنیم، ابتدا به سراغ تاریخش می‌رویم و از اولین روزهایی که متولد شده، بررسی خود را آغاز می‌کنیم. معمولاً انتظار داریم در جریان تشکیل حکومت‌ها، حضور گسترده و پرشور مردم را ببینیم و شاهد آن باشیم که نمایندگان مردم با نوشتن قانون اساسی، تکلیف مرزها، جایگاه و حقوق ملت و تقسیمات کشوری را مشخص کرده باشند و در نتیجه، خشونت پایان یافته و آرامش در جامعه برقرار شده باشد. اما زمانی که به تاریخ تشکیل رژیم اسرائیل نگاه می‌کنیم، داستان کاملاً برعکس است. این نمونه‌ها را بخوانید:

روستای دیر یاسین: این روستای کوچک در نزدیکی قدس، در ۲۰ فروردین ۱۳۲۷، (۳۶ روز قبل از اعلام تشکیل رژیم اسرائیل) مورد حمله گروه‌های مسلح صهیونیستی قرار گرفت. طبق برآوردها، در حدود ۳۶۰ نفر از ساکنان بی‌دفاع این روستا

۱۹۴۸ آوریل ۹.۱

کشته شدند. خبر این حمله وحشتناک، ترس زیادی را در میان مردم فلسطین ایجاد کرد و باعث فرار دسته جمعی بسیاری از آنان از خانه و کاشانه خود شد.

روستای طنطوره: تنها یک هفته پس از اعلام تشکیل رژیم اسرائیل، در ۱ خرداد ۱۳۳۷، ده‌ها نفر از ساکنان این روستای ساحلی، تیرباران و در گورهای دسته جمعی دفن شدند.

این رویدادها نشان می‌دهد که رژیم اسرائیل با تولدی خشن و خونین، پایه عرصه وجود گذاشت. برای درک ریشه‌های این پدیده غیرمعمول، باید به قرن نوزدهم و بیستم در اروپا بازگردیم؛ جایی که استعمار و جنبش صهیونیسم، ایده تشکیل چنین موجودی را در ذهن قدرت‌های جهانی کاشتند.

در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی، معمولاً

اروپایی‌ها برای استفاده از منابع طبیعی و نیروی انسانی مناطق مختلف جهان به نفع خودشان، با ارتش‌هایشان وارد سرزمین‌های دوردست می‌شدند و پس از شکست مقاومت مردمان اصیل آن منطقه، کنترل آنجا را به دست می‌گرفتند. اما کار آنها فقط به جنگ و تصرف خلاصه نمی‌شد. آنها گروهی از مردم خودشان را به آن سرزمین‌ها می‌فرستادند تا همان‌جا ساکن شوند. کم‌کم تعداد این مهاجران بالا می‌رفت و جمعیت بومی در حاشیه قرار می‌گرفت. تصور کنید روستایی که صدها سال مردم محلی بوده، حالا پر از تازه‌واردهایی می‌شد که زمین‌ها، بازارها و منابع را در اختیار می‌گرفتند. به این شکل، ترکیب جمعیت تغییر می‌کرد و همه چیز به سود تازه‌واردهای استعمارگر پیش می‌رفت. در همین دوره تاریخی در اروپا یک اتفاق دیگر هم افتاد: جنبش‌های سیاسی نژادپرستانه زیادی در بین مردم کشورهای مختلف اروپایی شکل گرفت که جنبش صهیونیسم^۲ یکی از آنها بود. صهیونیست‌ها گروهی از یهودیان^۳ بودند که از اواخر قرن نوزدهم، ایده اشغال سرزمین فلسطین و تأسیس حکومتی یهودی به شیوه استعماری را دنبال می‌کردند. انگلستان با توجه به موقعیت ویژه غرب آسیا، نقشه‌های زیادی برای افزایش نفوذ در آنجا داشت. یکی از این نقشه‌ها، تشکیل مستعمره‌ای در دل این منطقه بود و فلسطین با توجه به موقعیت ویژه‌اش انتخاب مناسبی بود. به این ترتیب، منافع استعماری انگلستان و اهداف صهیونیست‌ها برای تشکیل یک حکومت یهودی در فلسطین، در یک راستا قرار گرفت.



۱. ۲۲ مه ۱۹۴۸

۲. صهیونیست‌ها نام جنبش خود را از کوهی به نام صهیون که در فلسطین واقع است، گرفته‌اند.

۳. در دنیا یهودیان بسیاری وجود دارند که از صهیونیسم بیزارند و معتقدند صهیونیست‌ها اعتقادات دینی آنها را بهانه‌ای برای اشغال فلسطین قرار داده‌اند.

وقتی پای انگلیسی‌ها در میان است

همان‌طور که در درس قبل گفته شد، امپراتوری عثمانی با توافق پنهانی انگلستان و فرانسه، پس از پایان جنگ جهانی اول تجزیه شد و انگلستان موفق شد در سال ۱۳۹۹ شمسی^۱، اداره امور فلسطین را به چنگ آورد. دولت انگلستان در این دوره، سیاست‌هایی مشابه استعمارگران برده‌دار را در منطقه فلسطین اجرا کرد و علاوه بر فراهم کردن زمینه برای مهاجرت صهیونیست‌ها به آن منطقه، به آموزش و تجهیز نظامی آنها کمک کرد.

سرانجام در سال ۱۳۳۷ شمسی^۲، با حمایت و تأیید کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و انگلستان و با وجود مخالفت شدید فلسطینی‌ها و کشورهای همسایه، صهیونیست‌های مهاجر، تأسیس اسرائیل را در بخش‌هایی از سرزمین فلسطین اعلام کردند. روز اعلام تأسیس این رژیم، به عنوان روز «نکبت» شناخته می‌شود.



یکی از گروه‌های تروریستی صهیونیستی که با سلاح‌های انگلیسی تجهیز شده بودند



تظاهرات و اعتصاب فلسطینی‌ها در قدس در اعتراض به مهاجرت یهودیان

۱. ۱۹۲۰ میلادی

۲. ۱۹۴۸ میلادی



درباره روز نکبت بیشتر ببینید





«سرزمین مادری»

مستند «سرزمین مادری»، روایتی کوتاه از شکل‌گیری رژیم اسرائیل و مهم‌ترین اتفاقات پس از آن را ارائه می‌کند. این مستند را ببینید و یک خط زمان از مهم‌ترین وقایع و حوادث روایت شده در آن، تهیه کنید.

آنها؛ عجیب و بی سابقه

رژیم صهیونیستی ویژگی‌های عجیب و بی سابقه‌ای دارد و به خاطر همین وضعیت عجیب و بی سابقه است که هنوز بعضی کشورها (از جمله ایران)، اسرائیل را به عنوان یک کشور به رسمیت نمی‌شناسند. اما این ویژگی‌ها چه هستند؟ در ادامه، با هم تعدادی از آنها را مرور می‌کنیم:

ساکنان: پناهندگان مهاجم

ساکنان این رژیم، هر کدامشان در گوشه‌ای از جهان به دنیا آمده‌اند. شاید بخشی از نسل‌های جدیدتر، متولد این سرزمین باشند، ولی پدرها و مادرها اهل این منطقه نیستند. خانواده پناهنده هر چند سال هم که در منطقه جدید ساکن باشد، با کسی که پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ و اجدادش، همیشه ساکن بومی آنجا بوده‌اند، فرق می‌کند؛ چه برسد که آن پناهنده، مهاجم بوده و خانه و کاشانه ساکنان حقیقی آن سرزمین را هم غصب نموده باشد.

سرزمین: زمین‌های اشغال شده مردم بومی

صهیونیست‌ها از همان زمانی که انگلیسی‌ها بر فلسطین حاکم شدند، تصرف و اشغال زمین‌های فلسطین را به روش‌های مختلف، شروع کردند. در زمان اعلام تأسیس رژیم اسرائیل، درحالی که صهیونیست‌ها کمتر از ۶٪ از زمین‌های فلسطین را تصرف کرده بودند، حدود ۵۷٪ از خاک فلسطین را به نام خود اعلام کردند. در همان سال تأسیس یعنی ۱۳۳۷ شمسی^۱ با حمله به مناطق مسکونی فلسطینیان، ۴۱۸ روستا و زمین‌های اطراف آنها را اشغال و ساکنانشان را آواره نمودند یا کشتند.

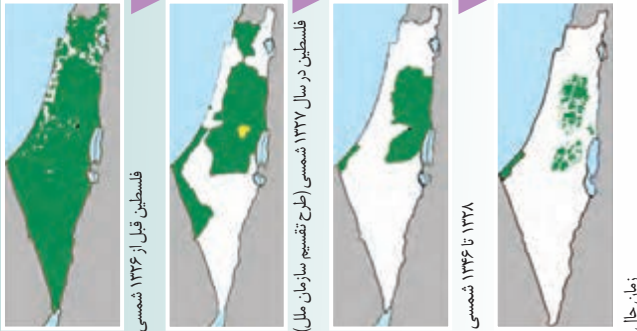


کتاب «تافرמוש نکنیم» به روایت مستند داستان غم‌انگیز ویرانی و اشغال ۴۱۸ روستای فلسطین و کشتار، اخراج و آوارگی ساکنان آنها در سال ۱۹۴۸، با استفاده از نقشه، عکس و خاطرات پرداخته است.

۱. ۱۹۴۸ میلادی

مرزها: نامشخص!

صهیونیست‌ها از همان زمان اعلام تأسیس دولتشان، حتی بین خودشان هم درباره مرزهای کشور مورد ادعایشان اختلاف داشتند. هنوز هم برخی از آنها معتقدند «اسرائیل بزرگ»، شامل بخش‌هایی از کشورهای منطقه هم می‌شود. آنها بعد از حمله به سوریه،



لبنان و مصر در سال‌های ۱۳۲۷، ۱۳۴۶ و ۱۳۶۱ شمسی، بخش‌هایی از این کشورها را به مرزهای خودشان اضافه کردند. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر صهیونیست‌ها، دو ماه بعد از حمله به ایران، در مصاحبه‌ای گفت: «من در حال انجام یک مأموریت تاریخی و معنوی هستم و از نظر احساسی، به رؤیای «اسرائیل بزرگ» پیوند خورده‌ام».

قانون اساسی: نداریم!

قانون اساسی در هر کشور، مثل «نقشه کلی» یا «قرارداد بزرگ» برای اداره جامعه است که به اصول، هویت و ساختار کشور و نیز حقوق و آزادی‌های مردم می‌پردازد. بخش عجیب داستان بیگانه منطقه ما آن است که رژیم اسرائیل از آغاز تشکیل خود، قانون اساسی رسمی ندارد!

شهرداری: زندان‌بانی

تصور کنید محل زندگی شما پر از ایست‌های بازرسی نظامی است، یا با دیوارهای بتنی بلند بخش‌هایی از شهر را از دیگر بخش‌های آن جدا کرده‌اند یا خانه‌های روستا از باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی جدا شده است و هر روز، برای رفتن به مدرسه، دیدار خویشاوندان، مراجعه به پزشک یا حتی سرکشی به زمین کشاورزی، باید ساعت‌ها در صف انتظار برای عبور از ایست بازرسی بمانید. یا فکر کنید که صبح از خواب بیدار شده‌اید و می‌بینید شهرداری شهرک مهاجرنشین کناری، با بولدوز و با حمایت نیروهای نظامی مسلح، مشغول خراب کردن زمین‌های کشاورزی روستای شماست تا ساختمان‌های بیشتری بسازد. در چنین شرایطی، چه احساسی پیدا می‌کنید؟ این تصویر، تنها بخشی از رنج‌های تحمیل شده بر زندگی واقعی مردم فلسطینی ساکن در سرزمین خودشان است.



مستندهای مرتبط
با شرایط زندگی در
سرزمین‌های اشغالی

دیوار حائل اسرائیل (که فلسطینی‌ها آن را «دیوار تبعیض» می‌نامند) اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی ساخته شد و کرانه باختری را با حصارها و دیوارهای بتنی از دیگر مناطق فلسطین اشغالی جدا می‌کند. هدف رسمی از ایجاد آن دیوار «امنیت» اعلام شده، اما عملاً موجب مصادره زمین‌های فلسطینی، جداسازی روستاها و محدودیت شدید رفت‌وآمد شده است.



پایه‌های قدرت: خشونت، غارت و کشتار + ترور + حمله‌های نظامی غافل گیرانه

اتفاقاتی که در دیر یاسین و منطوره افتادند، استثنا نبودند و نه فقط در داخل سرزمین‌های اشغالی، بلکه حتی در کشورهای دیگر نیز بارها چنین حملاتی از سمت رژیم صهیونیستی صورت گرفت. مأموران مخفی سرویس اطلاعاتی این رژیم، از سال ۱۳۳۰ شمسی تاکنون، چه در ایران، فلسطین و لبنان، چه در فرانسه، امارات و آمریکا، گاهی از طریق نفوذ به محل سکونت و اقامت و گاهی هم با اجرای عملیات تروریستی نظیر بمب‌گذاری و شلیک مستقیم گلوله، اقدام به ربودن و ترور فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای مصری، ایرانی و عراقی می‌نمودند. در سال ۱۳۶۰ شمسی، جنگنده‌هایش نیروگاه اتمی عراق را بمباران کردند، در سال ۱۳۸۶ شمسی، راکتور هسته‌ای سوریه را نابود کردند، در سال ۱۳۶۴ شمسی، به مقر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تونس حمله کردند، در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ شمسی، بخش زیادی از پایگاه‌ها و زیرساخت‌های نظامی سوریه را از بین بردند و در سال ۱۴۰۴ شمسی، دفتر حرکت مقاومت اسلامی (حماس) را در قطر با موشک هدف قرار دادند.

به نظر شما، چرا اسرائیل، این همه غیرعادی، قانون‌گریز و تجاوزکار است؟

در ستیز با قوت و استقلال همسایگان

وقتی بیگانه‌ای با زور و بدون رعایت قانون در یک منطقه ساکن می‌شود، تنها در صورتی می‌تواند باقی بماند که قوی‌تر از ساکنان اصلی آن منطقه باشد. به همین خاطر، در طول این سال‌ها، اسرائیل با جنگ‌های متعدد با همسایگانش نه تنها مرزهایش را گسترش داده، بلکه با استفاده از سلاح‌های غربی به همسایگانش نشان داده که نباید از او قوی‌تر باشند. برای صهیونیست‌ها، هر کشور قدرتمندی در منطقه خطرناک است، زیرا منطقه با وجود چنین کشوری، ممکن است بتواند روزی آن‌چه را که از دست داده، پس بگیرد. به همین خاطر است که این رژیم برای ایجاد ناامنی در منطقه، به هر کاری دست زده است، از جنگ‌های آشکار گرفته تا عملیات‌های محدود نظامی و اطلاعاتی، ترور و خرابکاری. رژیم اسرائیل، تنها راه زنده ماندن خود را ضعیف نمودن همسایگان خویش و از بین بردن استقلال آنها می‌بیند. به همین خاطر، مشکل اصلی اسرائیل در منطقه ما، با ایران قوی، سوریه قوی، لبنان قوی، مصر قوی یا هر کشور مستقل و قدرتمند دیگر است. جنگ، ترور، فشار، تبعیض، اختلاف‌افکنی، ایجاد ناامنی و حتی سخن گفتن از صلح کشورهای منطقه با اسرائیل، ابزارهای این رژیم برای حفظ این برتری و حذف قدرت‌های منطقه‌ای می‌باشد.

دست به کار شوید!

فیلم کوتاه رمزینه را مشاهده کنید و تصور کنید شما در چنین منطقه‌ای زندگی می‌کردید. در گروه‌های کوچک گفت‌وگو کنید که چنین وضعیتی چه تأثیری بر زندگی روزانه شما می‌گذارد و چه احساساتی در شما ایجاد می‌کند؟





جبهه ما و آنها

شیخ سایبری

نیمه‌های شب بود که مصطفی با زنگ بی‌امان تلفن از خواب پرید. صدای مدیر سایت نطنز، پشت خط مضطرب و لرزان بود: «مصطفی، یک اتفاق عجیب! ...سانتریفیوژها دارند یکی یکی از کار می‌افتند! انگار یک روح نامرئی دارد در تأسیسات ما می‌چرخد.»

ویروس «استاکس‌نت»، شبیه یک شیخ سایبری بود. یکی از پیچیده‌ترین بدافزارهای دنیا که حالا مثل یک سلاح پیشرفته، بی‌سروصدا به قلب تأسیسات هسته‌ای ایران نفوذ کرده بود. صفحه‌های کنترل، قرمز شده بودند و زنگ خطرهای بی‌وقفه به صدا درمی‌آمدند.

مصطفی، با چشمانی که از بی‌خوابی سرخ شده بود، در میان انبوه رایانه‌ها و سانتریفیوژها ایستاده بود. بوی یأس و اضطراب در هوا پیچیده بود. او به همکارانش نگاه کرد و با صدایی محکم گفت: «بچه‌ها، جنگ جدیدی شروع شده است، جنگی در دنیای صفر و یک‌ها. ما نباید بازیم.» روزها و شب‌ها گذشت. مصطفی و تیمش مثل سربازانی خستگی‌ناپذیر، در دل همین جنگ نامرئی جنگیدند. بالاخره پس از روزها تلاش، یک شب در سکوت مطلق، چراغ سبز روی صفحه نمایش کنترل دستگاه‌ها روشن شد. سانتریفیوژها دوباره زمزمه کردند، این بار، زمزمه پیروزی.

خاطره‌ای درباره شهید مصطفی احمدی روشن
برگرفته از کتاب امواج اراده‌ها

با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

۱. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی، چه نمونه‌های دیگری از حمله سایبری به ایران اتفاق افتاد؟ ما در برابر آن، چه اقدامات دفاعی و هجومی داشتیم؟
۲. تهاجم اسرائیل به هریک از مراکز زیر چه اهدافی را دنبال می‌کرد:

■ حمله به زندان اوین

■ حمله به ساختمان پلیس فتا

■ حمله به صدا و سیما



جنگ‌های نوین؛ گسترده‌تر، پیچیده‌تر

وقتی واژه «جنگ» را می‌شنوید، چه تصویری در ذهن شما شکل می‌گیرد؟ سربازان، تانک‌ها، هواپیماها و خط مقدم جبهه؟ این تصویری از جنگ‌های کلاسیک است که در گذشته رخ می‌داد. اما امروز، میدان نبرد و ابزارهای جنگ به کلی دگرگون شده‌اند. البته ماهیت جنگ که همان تلاش برای پیروز شدن در برابر دشمن است، تغییر نکرده، اما شیوه‌ها و سلاح‌های آن متحول شده‌اند. این یعنی دیگر همیشه دشمن را با لباس نظامی در مقابل خود نمی‌بینیم. گاهی دشمن، یک خبر دروغ در شبکه اجتماعی، یک حمله سایبری به زیرساخت‌های کشور یا یک تحریم اقتصادی یا ترکیبی از همه اینهاست. به این نسل جدید از درگیری‌ها، جنگ ترکیبی گفته می‌شود؛ جنگی که در آن، دیگر صدای غرش توپ‌ها شرط پیروزی نیست، بلکه نبرد اصلی بر سر به دست آوردن افکار و نظرات مردم و ضربه زدن به زندگی ملت‌ها و شکستن اراده آنهاست. جنگ ترکیبی یعنی به راه انداختن جنگ در مجموعه‌ای از جبهه‌های مختلف نظامی و غیرنظامی با هدف ایجاد بی‌ثباتی و شکاف میان مردم و حکومت و در نهایت، تسلیم کردن کشور هدف با کمترین درگیری نظامی مستقیم.

جبهه‌های هم زمان

ویژگی اصلی جنگ ترکیبی این است که هم‌زمان در چند جبهه شکل می‌گیرد. بیاید ابعاد جنگ ترکیبی که کشورمان در جنگ ۱۲ روزه (و حتی در برخی جبهه‌ها، قبل و بعد آن) درگیر آن بود را با هم مرور کنیم:

۱ حمله نظامی مستقیم

رژیم صهیونیستی مناطق مختلفی از کشور را به وسیله جنگنده‌ها و پهپادهایش هدف قرار می‌داد.



خراب کاری، ترور و استفاده از نیروهای نفوذی

بمب‌گذاری‌ها، ترورها و خراب‌کاری‌ها نه تنها باعث آسیب به جان و مال مردم و از دست دادن شخصیت‌های برجسته علمی و نظامی می‌شد، بلکه احساسات مختلفی از قبیل ناامنی و بی‌اعتمادی به نهادهای امنیتی را نیز در مردم ایجاد می‌کرد. همچنین، کشف و خنثی‌سازی این خراب‌کاری‌ها، فشار زیادی به دستگاه‌های امنیتی و انتظامی تحمیل می‌کرد.



تحریم و فشار اقتصادی

زمینه‌ساز تضعیف اقتصاد و ایجاد نارضایتی عمومی شده و می‌شود.



خراب کاری سایبری و هک سامانه‌ها

باعث اختلال در عملکرد نهادها و سازمان‌های مختلف و همچنین قطع یا کندی ارائه برخی خدمات بانکی، خدمات اینترنتی و... به عموم شهروندان شد.



فشار دیپلماتیک

تلاش برای منزوی و محکوم کردن کشور در عرصه بین‌المللی در جریان بود.



تغییر ذهنیت عموم مردم (جنگ شناختی)

اخبار جعلی، شایعات و تصویرسازی‌های نادرست در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به دنبال تغییر ذهنیت و ادراک مردم و مسئولان از واقعیت‌های جبهه جنگ (هر یک از جبهه‌های فوق) و در نتیجه، اثرگذاری روی تصمیم و اراده آنها بودند.

نظر شما مهم است!



از میان جبهه‌های گفته شده، کدام جبهه‌ها از سال‌ها قبل باز شده بودند و هم اکنون نیز ادامه دارند؟ به نظر شما، آیا از این نظر می‌توانیم در نام‌گذاری این جنگ به جنگ «۱۲ روزه» تأمل و تردید کنیم؟

کنترل ذهن‌ها، تسلط بر اراده‌ها

در جنگ ترکیبی مفاهیمی مانند «آتش‌بس» معنای خود را از دست می‌دهند، چون جنگ در تمام ابعاد و لایه‌های زندگی مردم جریان دارد. «ذهنیت» و «شناخت» عمیق‌ترین ابعاد انسان، مردم و جامعه است. اینجا، همان عرصه «جنگ شناختی» است. جنگ شناختی، عمیق‌ترین و اصلی‌ترین بخش از یک جنگ ترکیبی است. دشمن در جنگ شناختی، می‌خواهد بر فهم مردم تأثیر بگذارد تا آنها همان گونه فکر کنند، تصمیم بگیرند و عمل کنند که او می‌خواهد. هدف اصلی در این جنگ، تنها فریب دادن نیروی نظامی در میدان نبرد نیست، بلکه تغییر باورها و ذهنیت‌های عموم مردم و مسئولان جامعه است.

دشمن سعی می‌کند جای خوبی و بدی؛ زشتی و زیبایی؛ دوست و دشمن را در ذهن مردم و مسئولان عوض کند. جالب این است که هر کدام از بخش‌های جنگ ترکیبی، در صورت همراه شدن با جنگ شناختی، خیلی مؤثرتر می‌شوند، به عنوان نمونه، تحریم اقتصادی زمانی اثرگذارتر است که با یک جنگ شناختی همراه شود، یعنی مثلاً مردم تأثیر آن تحریم را بسیار بیشتر از واقعیت آن بدانند و رسانه‌های دشمن، به مردم القا کنند که این تحریم، فلج‌کننده است، هیچ راهی برای بی‌اثر کردن آن وجود ندارد و...! یا مثلاً ممکن است دشمن طوری درباره حمله نظامی محدود خود به یک مرکز نظامی، تبلیغات انجام دهد که مردم فکر کنند در آن حمله، همه امکانات آن مرکز نابوده شده است و احساس شکست و ناامیدی کنند.

پس بیراه نیست اگر بگوییم «جنگ شناختی» موتور محرک جنگ ترکیبی است، یعنی برای از کار انداختن یک جنگ ترکیبی، بیشتر از هر چیز باید مراقب ذهنیت و فهم خود درباره اتفاقات جنگ باشیم.

منتشر کردن خبر جعلی،
نادرست، غیر مستند و
تخریف شده

یک خبر دروغ، یا مربوط به یک کشور یا تاریخ دیگر منتشر
می‌شود، یا خبری که بخشی از آن درست است، ولی دست‌کاری
شده، یا بخشی از آن حذف یا چیزی به آن اضافه شده است.



جعل کردن تصاویر،
فیلم‌ها و صداها

یک عکس یا فیلم، با استفاده از نرم‌افزار یا هوش مصنوعی،
دست‌کاری شده تا نظر ما را نسبت به یک فرد یا واقعه، تغییر دهد.

در فضای مجازی و شبکه‌های
اجتماعی، معمولاً از چه
روش‌هایی برای اثرگذاری
بر ذهنیت‌ها و تغییر آنها
استفاده می‌شود؟

پراکنختن احساسات
نسبت به یک مسئله یا
رویداد

خبر، تصویر یا فیلمی منتشر می‌شود که ما با دیدن آن، نگران
یا خشمگین بشویم، بترسیم یا نسبت به یکدیگر، بدگمان و
بی‌اعتماد بشویم.

❖ برای یک «دفاع شناختی» خوب چه کنیم؟

دفاع در برابر جنگ ترکیبی خصوصاً جنگ شناختی، تنها بر عهده نیروهای نظامی و امنیتی نیست، بلکه یک «دفاع همه‌جانبه ملی» است که تک‌تک شهروندان در آن نقش دارند. در طول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و قبل و بعد از آن، ما نه تنها اقدامات زیادی برای دفاع در هر یک از این جبهه‌های جنگ ترکیبی انجام دادیم، بلکه حتی در بعضی از آنها، ما هم علیه دشمن اقدام متقابل کردیم.

چون جنگ شناختی، مهم‌ترین بخش از یک جنگ ترکیبی است، دفاع شناختی هم در جنگ ترکیبی اهمیت زیادی دارد. دفاع شناختی، خودش هم از جنس شناخت، اندیشه‌ورزی و تأمل است. یک پیشنهاد خوب برای یک دفاع شناختی مؤثر و ساده، به‌ویژه در فضای مجازی، استفاده از الگوی «۵ میم» است:

هر وقت بایک خبر یا پست مواجه شدی (خصوصاً اگر درباره‌ی یک مسئله‌ی مهم بود، یا باعث برانگیختن احساسات شد)، این «۵ میم» را انجام بده:

۱ مشاهده

همه چیز را خوب و با دقت ببین!
آیا عکس، واقعاً مربوط به همین خبر است؟
آیا تاریخش درست است؟
آیا تیتر و متن، هماهنگ هستند؟
آیا شواهد و دلایل، درست و بی‌نقص هستند؟

۵ مسئولیت

بازنشر این خبر، چه اثری روی دوستانم، مدرسه‌ام و جامعه‌ام دارد؟
آیا می‌توانم مسئولیت آن را به عهده بگیرم؟

۴ مکث

قبل از بازنشر خبر، ۳۰ ثانیه مکث کن!
آیا همه چیز را درباره‌ی این خبر بررسی کرده‌ام؟

۳ ماما

پیام پنهان در این خبر چیست؟
فرستنده پیام به دنبال تحریک چه احساسی در خواننده بوده است؟ ترس؟ خشم؟ ضعف؟
احتمالاً چه منفعتی از این حس من می‌برد؟

۲ منابع

چه کسی اولین بار این خبر را نشر داده است؟
آیا رسانه یا فرد قابل اعتمادی است؟
آیا در منابع دیگر هم تأیید شده است؟

دست به کار شوید!



۱. با بررسی اخبار و گفت‌وگو با هم‌کلاسی‌ها، نمونه‌هایی از ابعاد جنگ ترکیبی رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه کشور و مردم عزیزمان پیدا کنید و آنها را در جدول زیر وارد کنید. می‌توانید بُعد یا محور جدیدی هم به جدول اضافه کنید.

ابعاد جنگ ترکیبی	قبل از جنگ	حین جنگ ۱۲ روزه	بعد از جنگ
اقتصادی			
سایبری			
دیپلماسی و حقوقی			
اطلاعاتی و امنیتی			
اجتماعی			
.....			
.....			

۲. تعدادی از اخبار منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی در زمان جنگ ۱۲ روزه را بازبینی نموده و در قالب گروه‌های کلاسی، آنها را با استفاده از الگوی «۵ میم» تحلیل و بررسی کنید.

۳. به نظر شما، چرا در جنگ ترکیبی هدف قرار دادن اقتصاد یا زیرساخت‌های سایبری و یا جنگ‌شناختی، گاهی از حمله نظامی مؤثرتر است؟ پاسخ را در قالب یک مقاله، پادکست یا اطلاع‌نگاشت (اینفوگرافیک) ارائه دهید.

درس چهارم

۱۴

ایرانِ ما

شاطرِ مجتبی

دو برادر بودند، کاووس و مجتبی. هر دو هم نانوا بودند. بیست دقیقه پیش، خبر شهادت «شاطر کاووس» را به برادرش، «شاطر مجتبی» داده بودند، ولی «شاطر مجتبی» آمده بود به نانوائی کوچۀ امین و مثل همیشه، داشت نان در تنور می‌زد. محکم و استوار.

می‌گفت «به خاطر این مردم آمده‌ام. مگر مردم نان نمی‌خواهند؟ سنگر ما هم همین جاست، ما هم باید به وظیفه‌مان عمل کنیم. اسرائیل هم بداند که با این کارهایش، هیچ کاری از پیش نمی‌برد، هیچ غلطی هم نمی‌تواند بکند. صد تا مثل اینها هم اگر شهید بشوند، باز ما کار خودمان را انجام می‌دهیم...»

با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

به نظر شما، چه چیزی باعث می شود در زمان پیش آمدن یک مشکل یا خطر عمومی، مردم برای رسیدن به یک هدف مشترک، متحد شوند؟ وقتی جامعه با خطری بزرگ روبه رو می شود، کدام نیروی درونی یا کدام ارزش، باعث می شود که مردم با وجود تفاوت ها، همدل و هم صدا باشند؟



چند پرده از یک حقیقت ملی



اقتدار و گروه های مختلف، از مردم عادی گرفته تا انجمن های خیریه، گروه های جهادی، چهره های ورزشی و هنری و... به کمک زلزله زدگان شتافتند. صف کمک های مردمی، ترافیکی چند کیلومتری در جاده های منطقه ایجاد کرد.

پرده اول:
زمین لرزه ۷.۳ ریشتری
در استان کرمانشاه،
آبان ۱۳۹۶



با شدت گرفتن بارش های سیل آسا در روزهای آغازین سال نو، از گلستان و مازندران گرفته تا فارس، لرستان، ایلام و خوزستان، درگیر سیلاب های سنگینی شدند. باز هم این گروه های مختلف مردمی بودند که به مناطق سیل زده سرازیر شده و خانه ها و وسایل زندگی مردم را از زیر گل و لای، بیرون کشیدند و اگر نبودند، معلوم نبود بازگشت زندگی مردم این مناطق به روال عادی، چند ماه به تأخیر می افتاد.

پرده دوم:
سیل های فروردین
۱۳۹۸



همه ما تجربه سخت دوران کرونا را به یاد داریم، دورانی که اگر اיתار و از خودگذشتگی کادر درمانی، نهادهای خدماتی و گروه های جهادی در خدمت رسانی به عموم مردم و حتی انجام امور مربوط به دفن درگذشتگان نبود، معلوم نبود کابوس کرونا تا کی ادامه می یافت.

پرده سوم:
همه گیری ویروس
کرونا، از بهمن ۱۳۹۸

اتحاد مقدس مردم ایران، یک اتفاق نادر یا یک حقیقت باسابقه؟

برای کسانی که ایران و ایرانی را می‌شناسند، همدلی و اتحاد ما ایرانیان نه تنها در سه نمونه‌ای که نقل شد، بلکه از گذشته‌های دور تا امروز ادامه داشته است. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز نمونه‌های اتحاد و همدلی ملی بیش از هر چیز در زندگی روزمره مردم دیده شد. بسیاری از شهروندان به صورت خودجوش، ابتکارهایی به خرج دادند که نقش مهمی در آرام‌سازی شرایط و حفظ روحیه عمومی داشتند. این ابتکارها، نه تنها در روزهای جنگ، امید را در دل مردم زنده کرد، بلکه امروزه ما با مرور کردن آنها، به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنیم. به عنوان نمونه، برخی از مردم با باز کردن درهای خانه‌های خود به روی خانواده‌های آسیب‌دیده، پناهگاهی برای آنها فراهم کردند؛ جوانان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، پویش‌هایی برای اهدای خون راه‌اندازی کردند؛ کودکان و نوجوانان با نقاشی‌ها و پیام‌های امیدبخش، روحیه عمومی را بالا بردند؛ دختران و پسران نوجوان و جوان، با هر سلیقه و گرایش فکری و اجتماعی، با تولید و انتشار محتوای دلگرم‌کننده و امیدبخش در رسانه‌های اجتماعی و مقابله با اخبار نادرست، به تقویت روحیه جمعی کمک کردند؛ گروه‌های مردمی با برگزاری گردهمایی‌ها و مراسم‌های خیابانی، روحیه مقاومت را در شهرها زنده نگه داشتند؛ هنرمندان با تولید و انتشار آثار هنری و انجام اجراهای خیابانی و نمایش‌های فرهنگی در نقاط مختلف شهر، به افزایش روحیه شهروندان کمک کردند؛ با توجه به سفر تعداد زیادی از هموطنان به شهرهای شمالی کشور، برخی ناوایی‌ها در این مناطق به صورت شبانه‌روزی به پخت نان اقدام می‌کردند؛ کادر درمانی، نیروهای امدادی و خدمات‌رسان به‌رغم وجود خطرات و تهدیدهای جانی، شبانه‌روزی در حال خدمت بودند؛ شهروندان موارد مشکوک به خراب‌کاری را به نهادهای مربوط گزارش می‌دادند؛ نهادهای مسئول در تأمین کالاها و اساسی، به صورت شبانه‌روزی و بدون وقفه در میدان بودند تا کاستی در نیازهای ضروری مردم پیش نیاید؛ مردم با صبوری و متانت، از هجوم به فروشگاه‌ها برای انبار کردن مواد غذایی خودداری کرده و با رعایت نظم

در صف‌های پمپ‌بنزین، جلوه‌ای از فرهنگ والای ایرانی را به نمایش گذاشتند و خلاصه، حتی ورزشکاران و دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی نیز در هنگام پخش سرود ملی کشورمان، با ادای احترام نظامی به پرچم خوش‌رنگ ایران، وفاداری خود به میهن را نشان داده و حس غرور را در هموطنان خود برانگیختند.



حضور سرزده رئیس‌جمهور در میان شرکت‌کنندگان در تجمع مردمی میدان انقلاب تهران

نواآوری و فناوری در خدمت همدلی ملی

تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که فرهنگ اصیل و غنی ایرانی، هنگامی که با فناوری های جدید مواجه می شود، آنها را در خدمت خود می گیرد و از آنها در جهت تقویت همبستگی ملی استفاده می کند. نمونه هایی از ابتکارهای جالب شرکت های خدمات فناوریانه ایرانی که در طول این جنگ، در خدمت همبستگی و یاریگری ملی قرار گرفتند را ببینید:



یکی از سامانه های اینترنتی که محلی برای آگهی های خرید و فروش است، پویشی به نام «کنار هم در بحران» راه اندازی کرد. بر اساس گزارش ها، ده ها هزار آگهی در این سامانه منتشر شد که شامل پیشنهادهایی برای ارائه محل اسکان، حمل و نقل رایگان، کمک های مالی، مشاوره روانی و حتی کلاس های برخط برای کودکان بود.



یکی از سایت های آموزشی در طول جنگ، تمامی دوره های خود را به صورت رایگان در اختیار دانش آموزان گذاشت. این اقدام، به ادامه آموزش و حفظ آرامش روانی جامعه در شرایط تعطیلی مدارس و دانشگاه ها کمک کرد.



برخی فروشگاه های اینترنتی معتبر با ارائه تخفیف های ویژه برای کالاهای ضروری مانند غذا، دارو و لوازم بهداشتی و ارسال رایگان به مناطق آسیب دیده، مسئولیت اجتماعی خود را نشان دادند.



سامانه های مشاوره پزشکی برخط با فراهم کردن بستر مشاوره رایگان برای افرادی که تحت فشار روانی جنگ بودند، به حفظ سلامت روان جامعه کمک کردند.

چه شد که این طور، همدل و همراه شدیم؟

در شرایط جنگ معمولاً سطحی از همبستگی گروهی و ملی شکل می‌گیرد. آیا همبستگی ایرانیان در جنگ ۱۲ روزه، فقط یک واکنش طبیعی در برابر تهدید و جنگ بود؟ آیا تمام کشورها در زمان بحران رفتار مشابهی دارند؟ اگر به عوامل همدلی ایرانیان نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم همبستگی این روزهای مردم، فقط به خاطر تهدید جنگ نبود، بلکه در عوامل و ارزش‌های عمیق و دیرین ریشه داشت. ما نیز با نگاه به خود، اطرافیانمان، جامعه و تاریخ این مرز و بوم، به آنها پی می‌بریم. جنگ ۱۲ روزه، فرصتی برای آشکار شدن این ثروت و گنجینه ارزشمند ملت ایران فراهم کرد. بیایید چند مورد از این عوامل و ارزش‌ها را بیشتر مرور کنیم:

جوانمردی و یاریگری

کمک کردن به هم‌نوع و غم‌خواری و محبت به او، یکی از ارزش‌های اصیل فرهنگ ایرانی است. شعر معروف «بنی آدم اعضای یکدیگرند...» از سعدی و اشعار و متون بی‌شمار هم‌معنا با آن در ادبیات فارسی، همچنین شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی همچون اهل فتوت و عیاران در تاریخ ایران، از مهم‌ترین نشانه‌های این فرهنگ ریشه‌دار است. در تاریخ نزدیک‌تر هم، این یاریگری همواره ادامه دارد و هرگاه برای استانی مشکلی مثل سیل و زلزله پیش آمده، مردم و جوانان از سایر استان‌ها به یاری آن مردم آسیب‌دیده شتافته‌اند.

ایثار و از خودگذشتگی

از خودگذشتگی و جان‌بازی برای اهداف والای الهی و انسانی، نمونه‌های متنوعی در فرهنگ ایرانیان و زندگی جاری آنها دارد: از ایثارگری رزمندگان و شهدا در طول تاریخ این سرزمین (خصوصاً در هشت سال دفاع مقدس) گرفته تا از خودگذشتگی والدین برای رشد و پیشرفت فرزندان خود.

ایستادگی در برابر حرف زور

مردم ایران همیشه مخالف ظلم و ستم، تبعیض و اختلاف طبقاتی بوده‌اند، تا آنجا که یکی از دلایل اسلام آوردن گسترده ایرانیان، ظلم و تبعیض شاهان ساسانی و مخالفت آموزه‌های اسلامی با ظلم بود. شکل‌گیری قیام‌ها و جریان‌های مختلف عدالت‌طلبی در طول تاریخ ایران، نمونه دیگری از این روحیه ایرانی است. آزادگی در ذات ایرانیان است، همچنان که عزت و استقلال برایشان ارزشی اساسی است.



جلوه‌های یاریگری ایرانیان در دوران جنگ ۱۲ روزه

رهبری

وحدت و همدلی در یک تیم، هم به اعضای خوب و ماهر احتیاج دارد، و هم به اصول مشترکی که برای همه قابل احترام باشد، و هم به رهبری که مثل یک محور، نیروهای همه را هماهنگ کند و اتصال همه را به آن ریشه‌ها و اصول تقویت و حفظ کند و جمع را از تهدیدهای بیرونی محافظت کند.

یک گروه سرود یا ارکستر را در نظر بگیرید، درست است که حضور نوازندگان ماهر و متن و موسیقی واحد برای یک اجرای موفق و هماهنگ ضروری است، ولی علاوه بر آنها، این گروه به رهبری احتیاج دارند که در پیش روی همه بایستد و همه قدرت‌ها و مهارت‌ها را با هم هماهنگ کند. واضح است که بدون چنین فردی، صدایی که از گروه خارج می‌شود، صدای ناسازی خواهد بود که گوش همه را به درد می‌آورد.

رهبر انقلاب اسلامی، سال‌ها قومیت‌های رنگارنگ، گرایش‌های سیاسی متفاوت و حتی سلیقه‌های مذهبی مختلف در ایران را حول این روحیه‌ها و اصول مشترک با هم متحد نگه داشته‌اند. با قومیت‌های مختلف گفت‌وگو کرده و ویژگی‌های هویتی پرافتخار هر یک از اقوام و مناطق کشورمان را پررنگ کرده و پیوند همه را با ایران عزیز تقویت کرده‌اند و در هر موقعیت و لحظه‌ای، با هر عاملی که بخواهد به هویت ملی و انسجام مردم ایران آسیب بزند، مقابله می‌کنند.

مردم بزرگ ایران، زمینه‌های لازم برای انسجام و وحدت را دارند. به همین دلیل بود که در طول ۱۲ روز جنگ، آهنگ دلنشین وحدت و همدلی از ایران بلند شد و تعجب و تحسین همه را برانگیخت.

هر کدام از ما نیز باید نقش خودمان را در مراقبت از این وحدت، درست بشناسیم و از این گنج و ثروت خاص ایرانی محافظت کنیم و نگذاریم این همبستگی و عوامل شکل‌دهنده آن تضعیف و تهدید شود.

نظر شما مهم است!



۱. آیا شما نیز خاطره یا تجربه‌ای از همدلی مردم در ایام جنگ ۱۲ روزه دارید؟ خاطره یا تجربه خود را در قالبی خلاقانه و ابتکاری در کلاس ارائه دهید و درباره آن با همکلاسی‌های خود گفت‌وگو کنید.

۲. تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که همکاری میان فناوری و ارزش‌هایی مثل نوع دوستی و همدلی، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. آیا این الگو در بحران‌های آینده نیز قابل استفاده است؟ چرا؟

۳. اگر ایران دوباره در شرایطی مشابه شرایط جنگ ۱۲ روزه قرار گیرد، چه ایده‌ها و راهکارهای خلاقانه‌ای برای افزایش همبستگی اجتماعی به ذهنتان می‌رسد؟ این سؤال را دو بار پاسخ دهید، یک بار در نقش یک نوجوان و یک بار هم در نقش یک فرد سی ساله با شغل ایده‌آل خود. در آن زمان و با آن شغل، چگونه می‌توانید به ارتقای همبستگی اجتماعی کمک کنید؟

۴۷ کودک: ۱۲۶ زن: در مجموع ۱۰۶۴ نفر:
اینها تنها تعداد کمی از فرزندان ایران زمین هستند که به دست پلید رژیم صهیونیستی به
شهادت رسیدند.



❖ رانندهٔ بامرام جرثقیل

اوایل جنگ یک خودروی نظامی سپاه هدف حمله قرار گرفت. برای جابجایی آن به جرثقیل نیاز بود، اما سپاه، جرثقیل در دسترس نداشت. سریع با یک رانندهٔ جرثقیل خصوصی تماس گرفتند. به ظاهرش می خورد که خیلی رغبتی برای انجام آن کار نداشت. نگاهی انداخت و گفت: «برای جابجایی این، سی میلیون تومان می گیرم.»

بچه ها خیلی با او صحبت کردند تا کمتر بگیرد؛ گفتند بودجه نداریم. در نهایت پذیرفت که کار را با بیست میلیون تومان انجام دهد. یک لیوان آب آوردند. یک جرعه نوشید و با بی میلی، وسط کار، تشنه شد و آب خواست. یک لیوان آب آوردند. یک جرعه نوشید و با بی میلی، بقیهٔ آن را کنار گذاشت. پرسید: «آب خنک تری ندارید؟ خودتان از همین آب می خورید؟»

بچه ها پاسخ دادند: «بله، همه همین آب را می نوشیم.» گفت: «یعنی شما واقعاً با همین امکانات و همین آب می جنگید؟» و مشغول کار شد.

وقتی کار تمام شد، بچه ها خواستند دستمزدش را پرداخت کنند. گفت: «نه، من از شما پول نمی گیرم.» و رفت. روز بعد خودش برگشت. بچه ها پرسیدند: «چه شده؟ دیروز به زور آمدی، حالا خودت می آیی؟»

گفت: «دیشب به خانه رفتم و ماجرا را برای مادرم تعریف کردم. وقتی شنید شما باید چه شرایطی می جنگید، گفت از این به بعد هر وقت بچه های سپاه کاری داشتند، باید برایشان انجام بدهی و پول نگیری و گر نه شیرم را حالات

نخواهم کرد.»

چند روز بعد، یک لاتیجر موشک، هدف پهپاد قرار گرفت و دوباره به جرثقیل نیاز شد. به همان راننده تلفن زدند؛ فوراً خودش را رساند. وسط انجام کار، پهپاد دیگری حمله کرد و محمد دالوند، رانندهٔ بامرام جرثقیل، شهید شد.



مدرسه ما



با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

شما عضو گروه‌های مختلف اجتماعی هستید. عضو یک خانواده یا یک ایل، روستا یا شهر هستید. در گروه دختران یا پسران قرار دارید. ممکن است در یک گروه زبانی یا قومی عضویت داشته باشید. حتماً در محله‌ای زندگی می‌کنید که عضویت در آن هم بخشی از هویت شماست. شاید عضو گروه جوانان هلال احمر، پایگاه بسیج، مسجد محل یا یک تشکل دانش‌آموزی باشید. همچنین ممکن است در یک گروه ورزشی، هنری یا مهارتی فعال باشید. شما همچنین ممکن است عضو جامعه مسلمانان، زرتشتیان، مسیحیان یا یهودیان ایران باشید. عضویت در هر یک از این گروه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی شما دارد و بر اساس همین عضویت‌ها، خودتان را معرفی می‌کنید و دیگران نیز شما را با همین ویژگی‌ها می‌شناسند. در کنار همه اینها، شما عضو یک مدرسه هستید. حالا احساس و نگرش خود را درباره عضویت در مدرسه خود بیان کنید.

همه ما بخشی از ساعت‌های روز و هفته‌مان را در مدرسه می‌گذرانیم. با افراد جدید آشنا می‌شویم، قهر و آشتی داریم، به دنیای همدیگر سر می‌زنیم و با هر یک از هم‌کلاسی‌ها، هم‌مدرسه‌ای‌ها و حتی مدیر، معاونان، دبیران و دیگر افراد حاضر در مدرسه، نسبتی برقرار می‌کنیم. بله، ما به این خاطر که بخشی از روز خود را در مدرسه زندگی می‌کنیم، با همدیگر در ارتباط هستیم و این ارتباط مشترک، یک «ما» شکل می‌دهد. مدرسه در واقع، همین «ما»ی مشترک است؛ نه یک ساختمان یک یا چند طبقه! اگر دلمان برای مدرسه تنگ می‌شود یا از آن ناراضی هستیم، بیشتر از هر چیز، به خاطر نوع ارتباطاتی است که در درون مدرسه برقرار می‌کنیم.

مدرسه به این معنا، یک واحد مهم اجتماعی است که به یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر پاسخ می‌دهد: نیاز به آموزش و تربیت. مدرسه، اجتماع کوچکی است که از آن تأثیر می‌پذیریم و بر آن تأثیر می‌گذاریم. میزان زنده و فعال بودن این اجتماع، به تصمیم و عمل تک‌تک ما بستگی دارد. مدرسه، تنها ساختمان، حیاط و در و دیوار نیست، بلکه یک فضای اجتماعی هویت‌بخش است. مدرسه جایی است که هیچ‌جای دیگری شبیه آن نیست.

مدرسه به این معنا، نقش مهمی در زنده کردن محله و جامعه دارد و این نقش، در موقعیت‌های بحرانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حالا ببینیم مدرسه چگونه می‌تواند این نقش خود را به انجام برساند.



آقای حیدری، مدیر مدرسه ما، در زمان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، در اولین فرصت یعنی همان صبح روز جمعه با اعضای انجمن اولیا و مربیان مدرسه تماس گرفت و از آن‌ها خواست تا هر چه سریع‌تر جلسه انجمن را برگزار کنند. تقریباً همه اعضا همان روز حاضر شدند و جلسه تشکیل شد. آقای حیدری در جلسه گفت: «همه می‌دانیم که کشور ما درگیر جنگ شده است و معلوم نیست این تهدید تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. اما من احساس کردم مسئولیتی بر دوش ما و مدرسه ماست. فکر کردم حداقل باید فعالانه از خودمان و فرزندانمان مراقبت کنیم. به نظرم رسید دور هم جمع شویم و هم‌فکری کنیم ببینیم چه کاری از ما برمی‌آید.»

گفت‌وگوها آغاز شد. یکی از اعضای انجمن گفت: «خدا را شکر سال تحصیلی به پایان رسید و بار سنگین اداره مدرسه در این شرایط سخت از دوش ما برداشته شد. به نظرم ضرورتی ندارد خودمان را درگیر کارهایی فراتر از حوصله و توانمان کنیم.»

یکی از والدین پاسخ داد: «اما به نظر من این بحران، یک فرصت تربیتی بسیار خوب است. بهتر بگویم، خود این بحران را می‌توان به فرصت تبدیل کرد. مگر همیشه دغدغه ما، طراحی موقعیت‌های یادگیری طبیعی برای آموزش و تربیت بچه‌ها نبود؟ خب این یک موقعیت یادگیری واقعی است که هرگز نباید آن را از دست بدهیم. فرصت‌ها زودگذر هستند.»

خیلی سریع دستور جلسه مشخص شد: مدرسه در این شرایط چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

معاون آموزشی گفت: «خدا را شکر، مدرسه ما در مقایسه با برخی مدارس، ارتباط و تعامل خیلی خوبی با مردم و اهل محله دارد و همه به مدرسه و فعالیت‌های آن اعتماد دارند. مدرسه ما از سرمایه اجتماعی خوبی برخوردار است. می‌توان از همین سرمایه و ظرفیت بهره گرفت و در این شرایط سخت، بر این اعتماد افزود. باید دید چگونه می‌توان مدرسه را در فعالیت‌های جاری محله درگیر کرد تا دانش‌آموزان فرصت پیدا کنند در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی محله شرکت کنند.»

یکی از مادران عضو جلسه گفت: «به نظرم مدرسه می‌تواند در زمان جنگ، محور خدمات و مراقبت‌های اجتماعی محله باشد. باید فرصتی فراهم شود تا بچه‌ها مشغول فعالیت‌های اجتماعی شوند و از خود و دیگران مراقبت کنند. باید مانع انزوا و گوشه‌گیری بچه‌ها در دوره جنگ شویم، چون این گوشه‌گیری می‌تواند برای بیشتر بچه‌ها خطرناک باشد. بچه‌ها در چنین شرایطی می‌توانند شبکه ارتباطی و تعاملی محله باشند و اطلاع‌رسانی‌ها و راهنمایی‌های لازم را به اهالی ارائه کنند.»



او افزود: «همچنین، بچه‌ها می‌توانند در این مدت، فعالیت‌هایی را برای ایجاد نشاط و شادابی در محله طراحی و اجرا کنند. ما نیز هدایت و مراقبت از آنها و عملکردشان را به عهده می‌گیریم و هماهنگی لازم را با مردم و نهادهای رسمی انجام می‌دهیم تا بتوانند با خیال آسوده فعالیت کنند.»

از فردای آن روز، تشکل‌های دانش‌آموزی و گروه‌های ورزشی و هنری مدرسه پای کار آمدند و به مرور، سایر بچه‌ها هم به آنها پیوستند. آنها اطلاع‌نگاشت از توصیه‌های بهداشتی، امدادی، شناختی و روان‌شناختی تولید کرده و در سطح محله و میان خانواده‌ها توزیع کردند. بچه‌ها روزنامه دیواری محلی تهیه کردند، گزارش‌های خبری محلی ارائه دادند، محتواهای چندرسانه‌ای متنوع خبری، طنز، سرگرمی و اطلاع‌رسانی تولید کرده و در کانال‌های محلی نشر دادند، به صورت گروهی در نماز جماعت مسجد محله شرکت کردند، در سطح محله چندین بار سرود خیابانی خواندند، در بوستان‌های محله نمایش برگزار کردند، روبه‌روی مسجد محله ایستگاه صلواتی برپا کردند و حتی یک لیگ محلی فوتبال برگزار کردند!

بچه‌های مدرسه ما با این فعالیت‌ها اجازه ندادند جنگ، شور و شادی زندگی را از آنها و دیگران بگیرد. در عمل، مدرسه ما و دانش‌آموزانش در این مدت، روح و جان محله ما شدند. این‌گونه بود که در زمان جنگ، مدرسه و محله ما هر دو زنده و فعال بودند.

دست به کار شوید!



برای مشاهده برخی منابع قابل استفاده، می‌توانید از دستورالعمل‌ها و توصیه‌های محتوایی درج شده در این رمزینۀ سریع پاسخ استفاده کنید.

۱. در مدرسه خود به گروه‌های مختلف تقسیم شوید و هر گروه، با انتخاب یکی از محورهای زیر، توصیه‌های کاربردی مربوط به آن محور را از منابع معتبر به دست آورده و آنها را در قالب یک محصول مکتوب یا چندرسانه‌ای جذاب، در مدرسه یا محله نشر دهید:

■ ایمنی، امداد و کمک‌های اولیه

■ سلامت روان

■ سواد رسانه‌ای و شناختی

■ تاب‌آوری اجتماعی و روانی

■ پدافند سایبری

۲. با هم‌گروهی‌های خود مکان‌هایی که مردم در شرایط غیرعادی می‌توانند به آنجا مراجعه کنند (بوستان، آتش‌نشانی، درمانگاه، هلال احمر و...) را برروی نقشه محله خود نشان دهید.

درس ششم

هنر ما



با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

آیا داستان ساخته شدن قطعه معروف و ماندگار «ای ایران، ای مرز پرگهر» در دهه ۱۳۲۰ و حال و هوای سال‌هایی که این قطعه در آن ساخته شد را می‌دانید؟ درباره آن تحقیق کنید و یافته‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارید.



هنر؛ نغمه‌خوان امید و پیروزی

هنر در زمانی که کشور مورد هجوم و حمله تجاوزگران قرار گرفته، با آفرینش آثاری ماندگار و زیبا، ایستادگی‌ها و دلاوری‌های بزرگ را در جامعه برجسته و جاودانه می‌سازد و از خطر فراموشی نجات می‌دهد و با برجسته کردن پیروزی‌های تاریخی و روایت نسل به نسل آنها، نقش بزرگی در بالابردن اعتماد به نفس ملی ایفا می‌کند.

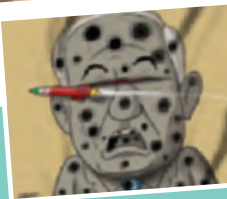


«علاج» و
«قول مردونه» را
بشنوید.

در جنگ ۱۲ روزه نیز آثار هنری بسیاری به ثبت تاریخی موفقیت‌ها و پیروزی‌های بی‌نظیر موشکی کشور در انهدام اهداف مهم رژیم صهیونیستی و پایگاه نظامی العدید آمریکا پرداختند. گرافیک‌ها و کاریکاتوریست‌ها آثار تأثیرگذاری را در فضای مجازی منتشر کردند و قدرت نظامی ایران را به رخ جهانیان کشیدند. حتی برخی هنرمندان غیر ایرانی نیز صدای مردم ایران شدند. موسیقی‌دانان ایرانی و غیرایرانی هم آثار ارزنده‌ای را برای ثبت و ماندگاری مقاومت حماسی ملت ایران خلق کردند. ترانه «علاج» با آهنگ‌سازی و صدای آمیخته به خشم محسن چاوشی و شعر ضداستعماری کاظم بهمنی، نجوایی سرشار از دعوت به ایستادگی و همبستگی را طنین‌انداز کرد. «قول مردونه» ترانه پرمخاطب دیگری بود که در بزرگداشت شهدای جنگ ۱۲ روزه، با صدای رضا صادقی خوانده شد و عواطف و احساسات عمیق و تأثیرگذاری در زمینه دلاوری و نبرد جانانه تا آخرین قطره خون را در جان مخاطبان برانگیخت.

هنر؛ قدرتمندتر از سلاح

در تعیین طرف پیروز یا شکست‌خورده جنگ‌ها، قدرت هنر از قدرت قوی‌ترین سلاح‌ها و بمب‌ها بیشتر است. غده سرطانی اسرائیل در تاریخ کوتاهش، جنگ‌ها و جنایت‌های بزرگی را مرتکب شده اما جز با ترور و خاموش کردن صدای هنرمندان، نتوانسته با قدرت تأثیرگذار هنر مقابله کند. آنها مشهورترین کاریکاتوریست جهان عرب، ناجی علی را که آثارش رسواگر اشغالگری‌ها و جنایت‌های صهیونیست‌ها بود، در سال ۱۳۸۶ شمسی در لندن ترور کردند و به شهادت رساندند.



بیشتر بدانیم او فقط یک کاریکاتوریست بود...



■ «ناجی» متولد روستای الشجره در شمال فلسطین بود. سال ۱۳۲۷ شمسی ده - یازده سالش بود که صهیونیست‌ها اعلام کردند رژیم اسرائیل را در سرزمین فلسطین تأسیس کرده‌اند و شروع کردند به تخریب و اخراج فلسطینی‌ها. ناجی هم با خانواده‌اش مجبور شد به یک اردوگاه آوارگان فلسطینی در جنوب لبنان مهاجرت کند. از همان زمان، برای نشان دادن احساساتش، شروع کرد به کشیدن کاریکاتور روی دیوارهای اردوگاه.

■ چند سال بعد که کاریکاتورهای ناجی جان گرفتند، شخصیت کاریکاتوری «حنظله» متولد شد. حنظله یک کودک ده ساله فلسطینی بود که همیشه در گوشه کاریکاتورهای ناجی، شاهد ماجرا بود. حنظله، خود ناجی بود، همان پسر ده ساله‌ای که از وطنش آواره شده بود و حالا کاریکاتورهای همان پسر ده ساله، افشاکننده اشغالگری‌های صهیونیست‌ها شده بودند. به همین خاطر بود که بارها ناجی و خانواده‌اش را به مرگ تهدید کرده بودند.

■ ظهر روز ۳۱ تیر ۱۳۶۶، ناجی در لندن، در حال رفتن به محل کارش بود که چند گلوله به سمتش شلیک شد و چند روز بعد، در بیمارستان به شهادت رسید. ناجی هیچ‌وقت تفنگ دست نگرفته بود، تنها سلاح او، همان قلمی بود که با آن، کاریکاتور می کشید.

در جنگ ۱۲ روزه نیز رژیم صهیونیستی می‌خواست با بمباران سازمان صدا و سیما، روایت هنری و رسانه‌ای مقاومت ملت ایران را خاموش کند، اما مقاومت، تعهد و شجاعت اهالی رسانه ملی، تصویر جاودانه‌ای ساخت که موضوع آثار هنری پرشماری شد و دشمن صهیونی را متحمل شکست سختی کرد. هنرمندان بسیاری در ایران و جهان، ایستادگی حماسی گوینده خبر تلویزیون، خانم سحر امامی را موضوع آثار خود قرار دادند؛ تصویر اشاره دست سحر امامی در پوسترها، نقاشی‌ها و تصویرسازی‌ها به نماد مقاومت و شجاعت زنان ایرانی تبدیل شد و تصویری از شکست پیشرفته‌ترین جنگ افزارهای نظامی غرب، در برابر اراده پلادین بانوی ایرانی را آشکار کرد.

۱۹۴۸.۱ میلادی



از دیگر هنرمندانی که آثار و ایده‌هایش، آسایش و آرامش صهیونیست‌ها را به هم ریخته، سیدمسعود شجاعی طباطبایی، چهرهٔ بین‌المللی کاریکاتور ایران است که جوایز داخلی و خارجی بسیاری را در کارنامه دارد. او چهره‌ای نام‌آشنا در جهان است که بزرگ‌ترین رویدادهای بین‌المللی کاریکاتور علیه جنایات‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی را برگزار کرده و محبوبیت جهانی بی‌نظیری دارد. ۲۲ کشور حامی جنایات رژیم صهیونیستی او را ممنوع‌الورود کرده‌اند، اما بسیاری از هنرمندان آزادی‌خواه این کشورها، برخلاف میل سیاست‌مداران کشورشان، آثار ظلم‌ستیزانه‌ای خلق یا به ایران سفر کرده‌اند و محرومیت‌ها و تهدیدها را به جان خریده‌اند.

هنر؛ آفرینندهٔ هویت شهر

هنر شهری، در فضاها و عمومی مانند دیوارها، میدان‌ها، پارک‌ها، نیمکت‌ها، سطل‌ها و همهٔ محیط‌هایی که در معرض دید شهروندان قرار دارد، اجرا می‌شود و تأثیر مهمی در بازتاب هویت فرهنگی شهرها دارد. از جمله مهم‌ترین هنرهای شهری، دیوارنگاری یا گرافیتی است که با انتقال صریح احساسات و ایده‌ها، به در و دیوارهای شهر، زندگی می‌بخشد.

در تهران و بسیاری از شهرهای ایران، هنرمندان آثار مختلفی را در همبستگی با مقاومت مردمی، تکریم شهدا و حمایت از مبارزه با رژیم تجاوزگر صهیونی بر دیوارها و مکان‌های عمومی خلق کردند. دیوارنگاره‌های شهدای جنگ ۱۲ روزه توسط سیدعلی میرفتاح، گرافیست و نقاش ایرانی بر دیوارهای تهران نقش بست و بسیار دیده شد. نام شهید، مکان و زمان شهادت، عبارت «نام جاوید وطن» و یک قلب قرمز رنگ، امضای میرفتاح پای آثارش است. او خاطرات مردم ایران از نبردی مظلومانه و مقتدرانه را در حافظهٔ خیابان‌های تهران ماندگار کرده است. میرفتاح می‌گوید: «من می‌خواستم جایی باشد که با شهدا مواجههٔ مستقیم و صریح داشته باشیم... کاری کنم که انگار مردم هم با دیدن تصویر شهید، موقع قدم‌زدن در خیابان، یکی از همشهریان را دیده‌اند.»



دو دیوارنگاره از سیدعلی میرفتاح

دو دیوارنگاره از بنکسی هنرمند معروف بر روی «دیوار حائل» در فلسطین اشغالی

هنر؛ پنجره‌ای رو به حقیقت

بسیاری از اندیشمندان، مهم‌ترین ویژگی هنر را پرده برداشتن از حقایق می‌دانند که درک و دریافت آنها در شرایط عادی، سخت و دشوار است. هشت سال دفاع مقدس ملت ایران مقابل رژیم بعث عراق و نزدیک به پنجاه کشور پشتیبان او، در ظاهر جنگی شبیه سایر جنگ‌های جهان بود؛ اما باطن و حقیقت این دفاع چیز دیگری بود.

شهید سید مرتضی آوینی، با ساختن مستند «روایت فتح»، پرده از روح معنوی و الهی جاری در جبهه‌ها برداشت و نشان داد ایرانی‌ها، ایثار و شهادت در راه حفاظت از مرزهای هویتی و جغرافیایی ایران را نه تنها وظیفه ملی و میهنی، بلکه تکلیف شرعی و الهی خود می‌دانند. نشان دادن الهی بودن مقاومت و ایثار ملت ایران در برابر دشمن جنایت‌پیشه، کار ظریفی است که هنرمندان ایرانی به خوبی از عهده آن برآمده‌اند. استفاده از زبان استعاره و تشبیه نبرد ایران با رژیم صهیونیستی به قیام امام حسین (علیه‌السلام) علیه یزیدیان، بهره گرفتن از نمادها و نشانه‌های قرآنی و استفاده از تقابل نور و تاریکی برای نشان دادن قوای الهی در برابر قوای شیطانی، از روش‌های رایج این هنرمندان است.

در میان آثار آوایی، ترانه «ایران علی» با صدای محمد معتمدی و شعر محمدمهدی سیار که برای عید غدیر ساخته شده بود و یک روز پس از تجاوز رژیم صهیونیستی منتشر گردید، با روایتی حماسی، ایران را سرزمین مقدس دوستداران مرد مردان، حضرت علی (علیه‌السلام) معرفی می‌کند و از ایشان مدد می‌طلبد. محمود کریمی نیز با بازآفرینی قطعه «ای ایران ایران»^۱ در قالب نوحه در مراسم عزاداری ایام محرم، نشان می‌داد که گرمای ایمان و گرمای وطن‌دوستی، از یک جنس هستند و نگاه خدایی و عاشورایی به ایران، عشق ایرانی‌ها به این سرزمین مقدس را بیشتر و عمیق‌تر کرده است.

در سطح جهانی نیز آثار هنری اثرگذاری برای به تصویر کشیدن تجاوزگری‌های اسرائیل، خلق شده است که قطعه «تلک قضیه» از امیر عید، خواننده مصری، یکی از آنهاست.

دست به کار شوید!

۱. با مشارکت دوستانتان یک موسیقی، سرود یا مداحی حماسی را انتخاب کنید و با استفاده از تصاویر و آثار هنری مرتبط با نبرد ۱۲ روزه، ویدئوکلیپی جذاب بسازید و آن را در کلاس ارائه دهید.

۲. طرحی دو صفحه‌ای برای ساختن یک فیلم سینمایی بنویسید که در آن، دانش‌آموزان ایرانی به رایانه‌های پایگاه هوایی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی نفوذ می‌کنند. طرحتان را در کلاس با دبیر و هم‌کلاسی‌هایتان به اشتراک بگذارید.

۳. برای طراحی و برگزاری جشنواره هنری با موضوع نبرد ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی، با مسئولان مدرسه مشورت کنید و برای برگزاری آن در دهه فجر برنامه‌ریزی و مشارکت کنید.

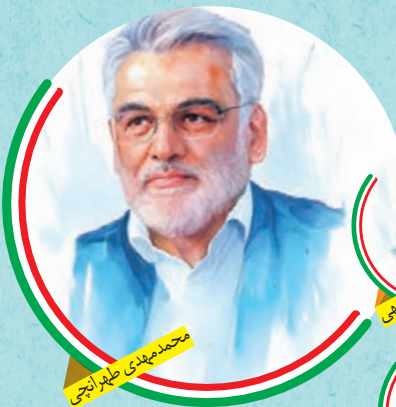
۱. این قطعه با صدای محمد نوری، شعری از تورج نگهبان و آهنگسازی محمد سریر، نخستین بار در سال‌های دهه شصت و در زمان جنگ تحمیلی هشت ساله منتشر شد.

پیشرفت لیزری!

من مدرک دکترایم را در مسکو گرفته‌ام. رئیس مؤسسه‌ای که در آنجا کار می‌کردم، آقای پروفسور پروخورف، برندهٔ جایزه نوبل دههٔ چهل شمسی بود؛ فرد بسیار معتبری بود و در زمینهٔ لیزر و مغناطیس و پلاسما فعالیت می‌کرد. یک روز هیتی ایرانی برای بازدید از آنجا می‌خواست بیاید؛ پروخورف پیغام داد که من و چند ایرانی دیگر هم بیاییم و بنشینیم. من در انتها سمت روس‌ها نشسته بودم و بیشتر شاهد بودم؛ چون خودشان مترجم آورده بودند. پروخورف احساس کرد که تیم بازدیدکنندهٔ ایرانی که مقابلش نشسته بودند، از نظر علمی، بنیهٔ ضعیفی دارند؛ برای همین هم به معاونش گفت که این‌ها را به مؤسسه ببرند و بگردانند.

این گذشت و سالی که من رئیس دانشگاه شهید بهشتی بودم، یعنی سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴، از طرف معاونت علمی ریاست جمهوری تماس گرفتند که یک هیئت ویژه از روسیه می‌خواهد به ایران بیاید، چهار یا پنج فیزیکدان هم همراهشان بود و بازدیدی از پژوهشگاه لیزر دانشگاه شهید بهشتی ترتیب داده شد. آنها آمدند و بازدیدشان را انجام دادند. وقتی که پایین آمدم، دیدم که کاملاً مبهوت شده‌اند؛ به من گفتند که ما می‌خواهیم در روسیه، از پیشرفت‌های شما در لیزر استفاده کنیم. بعد از بیست سال، ایرانی‌ها توانسته‌اند با وجود تحریم، عظمت بیافرینند.

خاطره‌ای از شهید دکتر محمد مهدی طهرانی



محمد مهدی طهرانی



سید امیر فقی



سید ناصر هاشمی تبار



سلیمان سلیمانی



علی یاقوبی کتیمی



عبدالحمد موچهر



سید مصطفی ساداتی



محمد رضا صدیقی صابر



منصور عسگری



اکبر مصلحی زاده



فریدون عباسی



امیر طاهری



سید بر جی



احمد رضا خوافقاری

دانشمندان هسته‌ای کشور که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند.

فناوری ما



با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

۱. می‌دانید که نفت و گاز از منابع تجدیدناپذیر انرژی هستند. در صورت تمام شدن این منابع، از چه راه‌های دیگری باید تولید انرژی کرد؟



مستند عنصر ۹۲

۲. مستند کوتاه «عنصر ۹۲» را مشاهده کنید. آیا هیچ‌یک از مراحل چرخه هسته‌ای در نزدیکی شهر یا روستای شما قرار دارد؟ بگویید پس از دیدن این مستند، چه احساسی پیدا کردید؟





انرژی هسته‌ای چیست و
چطور کار می‌کند؟

در نبرد ۱۲ روزه، دو فناوری برای ما ایرانیان بیشتر مطرح شدند: فناوری هسته‌ای که بهانه حمله بود و برخی از مراکز مرتبط با آن، مورد حمله قرار گرفتند و فناوری موشکی که یکی از برگ برنده‌هایی بود که رو کردیم. ویژگی جالب و مهم هر دو فناوری این است که ما در آنها خودکفا هستیم. در این درس، می‌خواهیم ببینیم چه شد که ایران، ایران هسته‌ای و ایران موشکی شد و چرا این فناوری‌ها برایمان مهم هستند؟

چرا فناوری هسته‌ای؟

در این سال‌ها، حتماً خیلی عبارت «انرژی هسته‌ای» را شنیده‌اید. درست است که یکی از مهم‌ترین فواید فناوری هسته‌ای، تولید انرژی برق است، ولی این همه داستان نیست. فناوری هسته‌ای برای کشور ما حداقل به سه دلیل، خیلی مهم است:

الف) مسئله انرژی

انرژی همیشه یکی از نیازهای اساسی انسان بوده است. در طول تاریخ معاصر، مردم برای دسترسی به منابعی مثل نفت و گاز با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شده‌اند و حتی جنگ‌های زیادی بر سر این منابع رخ داده است. وابستگی



بیش از حد به نفت، مشکلات زیادی دارد؛ منابع نفتی، تجدیدپذیر نیستند و بالاخره روزی به پایان خواهند رسید؛ درآمدهای نفتی هم ناپایدار هستند؛ وابستگی به نفت و فرآورده‌های آن در اقتصاد، آسیب‌پذیری کشور را در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی، بیشتر می‌کند. از سوی دیگر، امروزه با رشد سریع هوش مصنوعی و فناوری‌های نو، مصرف برق در جهان بسیار افزایش یافته و شرکت‌های بزرگ فناوری به سمت انرژی هسته‌ای روی آورده‌اند، زیرا این منبع می‌تواند برق پایدار و با آلودگی (دی‌اکسید کربن) کمتر برای مراکز داده فراهم کند.

ب) کاربردهای متنوع دیگر

فناوری هسته‌ای کاربردهای زیادی در زندگی روزمره دارد؛ از جمله در پزشکی، کشاورزی، دامپروری، کنترل منابع آب، صنعت و حتی حفاظت از محیط زیست. به همین خاطر، فناوری هسته‌ای فقط به معنای تولید برق نیست؛ بلکه موتور محرکی برای پیشرفت علمی، صنعتی و اقتصادی یک کشور به شمار می‌آید. گسترش این صنایع و فناوری‌های پیشرفته در کشور، هم به تقویت اقتصاد کشور کمک خواهد کرد و هم سطح زندگی مردم را بالا می‌برد.

ج) دانش و فناوری بومی، اقتدار ملی

در جهان امروز، دانش و فناوری از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت هستند. فناوری هسته‌ای یکی از فناوری‌های پیشرفته در جهان امروز است و رسیدن به آن، قدرت و توان سیاسی و اقتصادی کشور را در جهان بالا می‌برد. کشورهایی مانند آمریکا، فرانسه، روسیه و چین که ظرفیت هسته‌ای بالایی دارند، به قطب‌های اصلی صادرات فناوری و تجهیزات هسته‌ای تبدیل شده‌اند و از این راه، نفوذ سیاسی و اقتصادی زیادی به دست آورده‌اند.

برخی از کاربردهای فناوری هسته‌ای در عرصه‌های مختلف

تولید برق

- تولید برق هسته‌ای توسط ۴۴۰ نیروگاه در ۳۱ کشور جهان
- تولید ۲۵ درصد برق ۱۵ کشور جهان
- افزایش ظرفیت تولید برق هسته‌ای تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۵۰۱ گیگاوات
- و...

باتری هسته‌ای

- تبدیل انرژی اتمی به جریان برق مستقیم
- عمر بسیار طولانی تا ده‌ها سال و استفاده در برخی لوازم پزشکی از جمله باتری قلب
- و...

پزشکی

- تشخیص سرطان‌ها، عفونت‌ها، التهابات مفصلی، کم‌خونی و بیماری‌های تیروئیدی
- درمان تومورهای سرطانی
- تولید رادیوداروها
- تصویربرداری بیماری‌های قلبی، رادیوگرافی، گاما اسکن، رادیوبیولوژی
- استریلیزه کردن هسته‌ای و میکروب‌زدایی وسایل پزشکی
- و...

کنترل منابع آب

- شناسایی حوزه‌های آبخیز
- زیرزمینی
- کنترل نشست و ایمنی سدها
- کشف و کنترل آلودگی
- هدایت آب‌های سطحی و زیرزمینی
- شیرین کردن آب شور
- و...

- بهسازی و اصلاح ژنتیکی
- بذر گیاهان
- از بین بردن آفات و سرعت
- یخشیدن به رشد گیاهان
- و...

کشاورزی

- افزایش بهره‌وری و ایمنی صنعت دام‌پروری، شیلات و دام‌پزشکی
- پیشگیری، کنترل و تشخیص بیماری‌های دام و آبزیان
- تولید مثل، تغذیه و اصلاح نژاد دام
- بهداشت و ایمنی محصولات دامی و خوراک دام
- بهبود ویژگی‌های آبزیان
- و...

دام‌پروری و شیلات

- کشف عناصر نایاب در معادن
- دبی‌سنجی پرتویی
- نشت‌یابی
- سنجش پرتویی میزان ساینده‌گی
- و خوردگی قطعات
- چگالی‌سنجی مواد معدنی
- و...

صنعت

- استفاده از شتاب‌دهنده‌ها در شناسایی آلاینده‌های هوا و آب و خاک
- ردیابی آلاینده‌های زمینی
- کنترل آلاینده‌های فسیلی و بیولوژیکی در هوا
- از بین بردن پسماندهای صنعتی و خانگی
- و...

حفاظت از محیط زیست



با شهدای هسته‌ای و شهید فخری‌زاده آشنا شوید

کشور ما در مسیر دست‌یابی به فناوری هسته‌ای، راه درازی را پشت سر گذاشته است. ایران در سال ۱۳۳۷ به عضویت «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» درآمد. در سال ۱۳۵۳ «سازمان انرژی اتمی ایران» تأسیس شد و قرارداد ساخت نیروگاه بوشهر با شرکت‌های آلمانی بسته شد. اما آن زمان صنعت هسته‌ای ایران کاملاً وابسته به خارج بود؛ تجهیزات و فناوری از کشورهایی مثل آمریکا، آلمان و فرانسه تأمین می‌شد، مدیریت پروژه‌ها در دست متخصصان خارجی بود و دانش فنی به ایران منتقل نمی‌شد و آموزش‌ها و زیرساخت‌ها به خارجی‌ها وابسته بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشورهای غربی همکاری خود را قطع کردند. نیروگاه بوشهر نیمه‌کاره رها شد، تجهیزات خریداری‌شده تحویل داده نشد و آموزش متخصصان متوقف گردید. حتی بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی تعطیل شدند. در زمان جنگ تحمیلی هشت ساله (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) نیز نیروگاه بوشهر چند بار بمباران شد و در سال ۱۳۶۴ آسیب جدی دید. این شرایط، صنعت هسته‌ای ایران را به توقف کامل رساند.

شهید محسن فخری‌زاده از مهم‌ترین افرادی بود که از اوایل دهه ۱۳۶۰ با طراحی «نقشه راه هسته‌ای»، توانست بازسازی این صنعت را از صفر آغاز کند.

در سال ۱۳۷۵ و با کشف معدن اورانیوم در ساغند یزد، استخراج این سنگ آغاز شد. تأسیسات تبدیل اورانیوم (UCF) اصفهان و تأسیسات غنی‌سازی نطنز نیز در سال ۱۳۷۶ ساخته شدند. در سال ۱۳۸۹ بود که با طراحی فرایند غنی‌سازی ۲۰٪ توسط دانشمندان ایرانی، کشور ما به خودکفایی در این زمینه دست پیدا کرد.

دشمنان ایران که می‌دانستند پیشرفت ایران در فناوری هسته‌ای به معنای افزایش اقتدار ملی و منطقه‌ای کشور است، تا کنون تلاش‌های زیادی برای جلوگیری از این حرکت علمی و بومی کرده‌اند:

► **تحریم‌ها:** مانند قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل که سعی داشتند فعالیت‌های هسته‌ای ایران را محدود کنند؛

► **خرابکاری‌ها:** مثل ویروس «استاکس‌نت» در سال ۱۳۸۹ یا انفجار خطوط برق در سال ۱۳۹۱؛

► **ترور دانشمندان:** شهادت دانشمندان هسته‌ای توسط موساد با هدف ایجاد ترس و توقف در برنامه هسته‌ای؛

► **حمله نظامی:** در جنگ تحمیلی هشت ساله، رژیم بعث عراق نیروگاه بوشهر را بمباران کرد. همچنین در جنگ ۱۲ روزه نیز اسرائیل و آمریکا سایت‌های هسته‌ای همانند نطنز، فردو و اصفهان را هدف قرار دادند.

دست به کار شوید!

۱. یک مناظره کلاسی ترتیب دهید و در مورد مزایا و معایب غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور و یا وارد کردن اورانیوم غنی‌سازی شده بحث کنید.

۲. درباره زندگی‌نامه و دستاوردهای شهدای هسته‌ای کشور به‌ویژه آنان که در جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسیدند، تحقیق کنید و نتیجه تحقیق خود را در قالب‌های ابتکاری و خلاقانه (الکترونیکی یا فیزیکی) به کلاس و مدرسه ارائه دهید.

۳. فیلم سینمایی «هناس» را ببینید و سعی کنید خود را در جایگاه داریوش تصور کنید. اگر شما جای او بودید، آیا مسیر شغلی خود را تغییر می‌دادید؟ درباره احساسات و دلایل خود در این زمینه، با دوستانتان گفت‌وگو کنید.



فیلم سینمایی هناس را ببینید.



چطور شد که به سراغ فناوری موشکی رفتیم؟

زمان‌هایی بود که وقتی باید از کشورمان دفاع می‌کردیم، دستان خالی بود. مثل شهریور ۱۳۵۹ که جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران شروع شد. در آن جنگ، بسیاری از کشورهای دنیا، ایران را تحریم نظامی کردند، اما به رژیم بعث عراق هرچه‌قدر خواستند، سلاح فروختند. از طرفی، دانش و فناوری موشکی جزو مهم‌ترین و سری‌ترین فناوری‌های نظامی کشورها بود و استفاده از تجربیات دیگران در این زمینه، کار ساده‌ای نبود. فقط ۲۰ روز از شروع جنگ نگذشته بود که توان نظامی دشمن مشخص شد؛ یک موشک به شهر دزفول اصابت کرد و ۷۰ نفر از مردم ما شهید شدند. طی سه سال بعد، ارتش صدام بیش از ۱۷۰۰ بار به ایران حمله موشکی کرد.

اما اواسط جنگ، شرایط تغییر کرد. گروهی از جوانان مؤمن، انقلابی و مسئولیت‌پذیر ایرانی تصمیم گرفتند برای قدرت ایران و دفاع از ملت، وارد عرصه موشکی شوند. این گروه، مسیر طولانی و سختی را طی کردند تا کشوری که هیچ موشکی نداشت، تبدیل به کشوری نوآور و پیشرو در زمینه موشکی شود. این موضوع باعث شد که در جنگ ۱۲ روزه، در وضعیت شهریور ۱۳۵۹ نباشیم، بلکه موشک‌های بومی، دست ما را پر کرده بودند.



درباره فناوری‌های پیچیده به کار رفته در موشک، بیشتر بدانید.



سرداران شهید امیرعلی حاجی‌زاده و محمود باقری



از راست: سردار شهید حسن شفیق‌زاده، سردار شهید حسن طهرانی مقدم، سردار یعقوب زهدی، سردار شهید امیرعلی حاجی‌زاده





ماهواره‌ها به کمک فناوری موشکی به فضا پرتاب می‌شوند. در مورد ماهواره‌های ایرانی و کاربردهای بیشتر بدانید.

دانش ساخت و بهبود هر محصول فناورانه از خود آن محصول مهم‌تر است. محصولات فناورانه نو و پیشرفته ممکن است صادر شوند، اما دانش و فناوری مربوط به آنها به سختی منتقل می‌شود. هر کشوری دوست دارد در زمینه‌های مختلف، به ویژه در امور نظامی، دست برتر را داشته باشد، بنابراین فناوری‌های خاص و مهم را برای خودش حفظ می‌کند. خودکفایی هنگامی اتفاق می‌افتد که دانش تخصصی مورد نیاز برای ساخت و بهبود یک محصول فناورانه خاص، در داخل کشور و توسط دانشمندان همان کشور تولید شده باشد. رمز پیشرفت و اقتدار کشورها، در تولید و گسترش علم و فناوری بومی نهفته است. شاید بشود ارسال یک کالا به یک کشور را تحریم کرد، ولی نمی‌شود کسی که صاحب علم و فناوری است را از آنچه خودش به دست آورده محروم کرد. به همین خاطر، پس از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله، ایران تصمیم گرفت توانایی‌های موشکی خود را گسترش دهد تا بتواند در برابر تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایستادگی کرده و قدرت کافی برای دفاع از خود را داشته باشد. در گام اول، گروهی از نخبگان نظامی به رهبری شهید حسن طهرانی مقدم موفق شدند موشک‌های شهاب ۱ و شهاب ۲ را با برد ۳۰۰ و ۵۰۰ کیلومتر بسازند. سپس در دهه ۸۰ شمسی، ایران با ساخت انواع موشک‌هایی با برد بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر، به خودکفایی در این زمینه رسید؛ زمینه‌ای که هیچ کشوری حاضر نبود فناوری پیچیده آن را در اختیار ما قرار دهد. این موفقیت، نتیجه تلاش دانشمندان زیادی از رشته‌های مختلف بود.

پیشنهاد و سوسه‌انگیز

بعد از فروپاشی شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته، تجهیزات نظامی خود را می‌فروختند. یکی از پیشنهادها، موشک‌های «اسکاد-بی» بود که قیمت هر کدام حدود ۱۰ هزار دلار بود! این قیمت بسیار پایین و سوسه‌کننده بود، چون قیمت موشک‌هایی که ما در دوران جنگ تحمیلی خریداری کرده بودیم، حدود ۲/۵ میلیون دلار بود.



ما در ستاد نظامی ایران همه مشتاق بودیم که این موشک‌ها را بخریم. تصور می‌کردیم این یک فرصت فوق‌العاده برای تقویت توان دفاعی کشور است و تقریباً همه موافق بودند. اما وقتی پیشنهاد را به مقام معظم رهبری ارائه دادیم، با مخالفت جدی ایشان مواجه شدیم. این مخالفت، در ابتدا برای ما قابل درک نبود و واقعاً همه تعجب کردیم. با گذشت زمان، دلیل این مخالفت روشن شد. ایران در همان سال‌ها شروع به توسعه موشک‌های بومی کرده بود و اگر آن خرید انجام می‌شد، انگیزه‌ای برای ادامه این مسیر باقی نمی‌ماند. اگر آن روز اجازه داده می‌شد که موشک‌ها را بخریم، شاید امروز ما به توانمندی موشکی فعلی دست پیدا نمی‌کردیم. اما با عبور از این فرصت و سوسه‌انگیز، ایران به جای تکیه بر تجهیزات خارجی، راه سخت و پرافتخار خودکفایی را انتخاب کرد و امروز جزو کشورهای پیشرو در صنایع موشکی جهان شده است.

(خاطره‌ای از سردار شهید امیرعلی حاجی‌زاده)

از نشانه‌های بومی بودن یک محصول فناورانه این است که نوآوری‌های آن، متناسب با نیازها و یا ملاحظات فرهنگی کشور صاحب فناوری است. صنعت موشکی ایران هم نوآوری‌های ویژه خودش را دارد. یکی از نوآوری‌های صنعت موشکی ایران این است که به جای تمرکز روی کشتار گسترده روی هدف‌گیری دقیق و نقطه‌زنی تمرکز داشته است تا بتوان اطمینان حاصل کرد که موشک، فقط به هدف مدنظر اصابت کرده و به هیچ بی‌گناهی، آسیب نمی‌رسد. دیگر مثال نوآوری در تسلیحات ایرانی، پهپاد تاریخ‌ساز شاهد ۱۳۶ است که گول‌های نظامی جهان نظیر روسیه و آمریکا به دنبال داشتن نمونه‌هایی از آن هستند. از ویژگی‌های نوآورانه این محصول، جمع کردن مجموعه‌ای از فناوری‌ها با قیمت تمام شده بسیار پایین است. آمریکا به تازگی پهپاد لوکاس (افالام ۱۳۶) را مشابه همین پهپاد ایرانی ساخته است، ولی پهپاد آمریکایی نصف پهپاد ایرانی سرعت، نصف پهپاد ایرانی سرچنگی و یک پنجم پهپاد ایرانی برد عملیاتی دارد. این در حالی است که با تمام این موارد، قیمتش گرانتر از مدل ایرانی است. البته این ظاهر قضیه است و باید دید آیا مشابه شاهد ۱۳۶، در درون آن پهپاد هم سامانه‌های جنگ الکترونیک، هدایت ماهواره‌ای و دیگر قابلیت‌های آن با کیفیت مطلوب جاسازی شده‌اند؟ و آیا بدنه آن به شکلی ساخته شده است که بتواند در برابر رادارها و سامانه‌های پدافندی مقاومت کند؟



چه شد که افزایش دقت موشک‌ها در اولویت قرار گرفت؟

نظر شما مهم است!

۱. جنگ ۱۲ روزه، جنگی در لبه فناوری بود. از فناوری‌های موشکی، پدافندی و پهپادی گرفته تا فناوری‌های سایبری، اطلاعاتی و هوش مصنوعی. به نظر شما ما در چه فناوری‌هایی با قوت ظاهر شدیم و در کدام فناوری‌ها، ضعف داشتیم؟ برای برطرف کردن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت، باید چه کنیم؟
۲. فیلم سینمایی «منصور» یا «خدای جنگ» را ببینید و در کلاس درباره این پرسش گفت‌وگو کنید که چه عواملی، مانع خودکفایی علمی یک کشور می‌شوند؟



فیلم «منصور» و «خدای جنگ» را ببینید.



شهید غلامعلی رشید



شهید حسین سلامی



شهید محمد باقری



شهید علی سادغانی



شهید امیرعلی جایی زاده



شهید سعید اهردی



شهید محمد کارامی



شهید محمود باقری



شهید مهدی ربانی



شهید محمدرضا نصیر باغیان



شهید علیرضا لطفی



شهید حسن مفتحی



شهید دودو شیخان



شهید غلامرضا مزاری

تعدادی از فرماندهان نظامی کشور که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه توسط رژیم صهیونی به شهادت رسیدند.

درس هشتم

دفاع ما



با جست و جو و تأمل شروع کنیم...

مهم ترین اتفاقاتی که در دفاع مقدس ۱۲ روزه رخ دادند و شما انتظارش را نداشتید، کدام بودند؟ چرا انتظار رخ دادن این اتفاقات را نداشتید؟
رخ دادن آنها، چه تغییری در نگاه شما به آن مسئله ایجاد کرد؟



✪ خدا با ماست!

باور به نقش آفرینی خدا در زندگی و کمک او، باوری ریشه‌دار در بین ما ایرانی‌هاست که با آن زندگی می‌کنیم. ما حسی صمیمی و واقعی نسبت به دعا کردن و یاری خواستن از خدا داریم و در هنگام سختی‌ها، بیشتر به خدا پناه می‌بریم، با یاد خدا آرام می‌شویم، در انتظار نصرت او و دلگرم به وعده‌هایش هستیم.

معمولاً هنگامی درباره نصرت و یاری صحبت می‌شود که یک فرد، همه توان خود را به کار گرفته ولی یاری کننده، کاری را انجام می‌دهد که یا در توان آن فرد نیست، یا با توجه به امکاناتی که دارد، انتظار ندارد به چنان نتیجه‌ای برسد. برای مثال، اگر کسی بخواهد بار یک ماشین را به تنهایی خالی کند، زمان زیادی نیاز دارد، ولی اگر چند نفر به یاری او بیایند، کار در زمان بسیار کوتاه‌تری انجام می‌شود. به همین ترتیب، نصرت خدا نسبت به بندگان نیز هنگامی دیده می‌شود که اتفاقی رخ داده باشد که بیش از توان و امکانات بندگان بوده و اگر فقط خودشان بودند، انجام چنان کاری از آنها انتظار نمی‌رفت.

طبق آیات قرآن، خدا کسانی را یاری می‌کند که به خدا و نصرت او ایمان داشته باشند و در راه حق، تلاش و مجاهدت می‌کنند، «قطعاً خداوند کسانی که او را یاری کنند، نصرت می‌کند»^۱ و «از کسانی که ایمان آورده‌اند، دفاع می‌کند»^۲. هرچقدر مؤمنان توان خود را به میدان بیاورند، خداوند آن را چند برابر می‌کند: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر پیروز می‌شوند، و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران پیروز می‌شوند»^۳.

در این نبرد، هر یک از ما به نوعی کمک و لطف خدا نسبت به مردم ایران را احساس کردیم. بیایید بخشی از نصرت‌های الهی که در این نبرد ۱۲ روزه برایمان آشکار شدند را با هم مرور کنیم.

✪ نصرت تقویت

بیش از چهار سال است که ایران اسلامی از نظر تسلیحاتی، تحت شدیدترین تحریم‌هاست. تحریم‌های اقتصادی هم بر توان تولید یا خرید تسلیحات نظامی تأثیر گذاشته است. در جنگ ۱۲ روزه، رژیم با بودجه نظامی سه برابر ایران و حمایت نظامی و فناوریانه آمریکا و اروپا به ایران حمله کرد و حتی آمریکا نیز به صورت مستقیم وارد درگیری شد. در چنین شرایطی، نه تنها ایران توانست با تکیه بر توان موشکی خود، ضربه‌های اساسی به رژیم اشغالگر وارد کند، بلکه این آمریکا و رژیم صهیونیستی بودند که از ایران، تقاضای آتش‌بس کردند.

۱. سوره حج، آیه ۴۰

۲. سوره حج، آیه ۳۸

۳. سوره انفال، آیه ۶۵

نصرتِ همدلی

بر اساس تحلیل‌های مختلف و سخنان سران رژیم صهیونیستی قبل، حین و بعد از جنگ ۱۲ روزه، این رژیم روی اختلافات و شورش‌های داخلی در ایران حساب ویژه‌ای باز کرده بود، اما اتحاد و همدلی ایرانیان، محاسبات و پیش‌بینی‌های آنها را به هم ریخت؛ ایرانیانی که سال‌ها تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی قرار داشته و با مشکلات معیشتی روبه‌رو بودند، با بازگشت به ویژگی‌های اصیل فرهنگی خود، اختلافات خود را کنار گذاشته و به اتحادی مقدس رسیدند. نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر تنها به دست خداوند حاصل می‌شود؛ «اگر تمام آنچه در زمین است را خرج کنی، نمی‌توانی بین دل‌ها همدلی ایجاد کنی، اما خداوند این کار را انجام می‌دهد.»^۱

نصرتِ رسوایی دشمن

امروزه رسانه‌ها به عنوان بازوی ارتش‌ها محسوب می‌شوند و در وارونه جلوه دادن حقایق به نفع خویش، تمام توان خود را به کار می‌گیرند. به همین دلیل، گاهی شناخت حق از باطل چنان دشوار می‌شود که اکثر مردم به تردید می‌افتند، زیرا ظالمان با انواع توجیهات، در پی این هستند که باطل را به جای حق جلوه دهند. آشکار شدن چهره واقعی اهل باطل، یکی از کمک‌های خداوند است تا باطل، پیش چشمان همه، رسوا شود. رژیم صهیونیستی در طی سال‌ها، خود را دارای ارتشی اخلاق مدار معرفی می‌کرد، ولی در این چند وقت، کودکان شهید، سربازان خداوند شدند و خون به ناحق ریخته شده آنها، پرده‌های رسانه‌ای را کنار زد. شهادت بیش از ۱۶ هزار کودک در غزه از مهرماه ۱۴۰۲ تاکنون و نزدیک به ۵۰ کودک در جنگ ۱۲ روزه، چهره واقعی ظلم را آشکار کرده و باعث اعتراض‌های گسترده ملی و جهانی شد.



۱. سورة انفال، آیه ۶۳

در این ۱۲ روز چه گذشت

همان گونه که در درس سوم دیدیم، جنگ های امروزی صرفاً نظامی نیستند، بلکه ترکیبی و به ویژه، شناختی هستند. به همین خاطر، نبردهای دوره جدید بیشتر به جنگ روایت ها تبدیل شده اند، یعنی هر دو طرف درگیر جنگ تلاش می کنند خود را پیروز نشان دهند. بنابراین، نبرد اصلی نه در میدان نظامی، بلکه در عرصه ذهن ها، معانی و روایت ها جریان دارد. به همین خاطر، معمولاً درک مردم از نتیجه جنگ ها هم اهمیت بیشتری پیدا می کند. بیایید یک بار مهم ترین اتفاقاتی که در این ۱۲ روز رخ داد را مرور کنیم و سپس ببینیم چگونه می توانیم وضعیت خودمان را در این جنگ تحلیل و بررسی کنیم.

جمعه، ۲۳ خرداد: روز اول

نخستین ساعت های بامداد ۲۳ خرداد بود که صهیونیست ها حمله را آغاز کردند. تعدادی از شهرک های مسکونی مردم و منازل برخی فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان برجسته هسته ای، پایگاه ها و مراکز نظامی و تأسیسات مرتبط با فناوری هسته ای در مناطق مختلف کشور همچون تهران، نطنز، اصفهان، تبریز، همدان، خرم آباد، اراک و ... هدف قرار گرفتند که منجر به شهادت تعداد زیادی از مردم شد. خراب کاری و هدف قرار دادن برخی سایت های پدافندی با استفاده از عوامل مزدور داخلی و همچنین، ایجاد اختلال در سامانه های پدافندی، دیگر اتفاق مهم در اولین روز حمله بود. این وضعیت، نوعی احساس غافل گیر شدن و نگرانی را در عموم مردم و مسئولین پدید آورد. اما بلافاصله و در همان روز، رهبر انقلاب فرماندهان جدیدی را جایگزین فرماندهان شهید کردند.

شنبه، ۲۴ خرداد: روز دوم

شنبه، نتایج در سخنانی خطاب به ملت ایران، آشکارا هدفش را ایجاد تزلزل در انسجام داخلی ایران عنوان کرده و گفت: «ما اوضاع را به هم ریخته ایم، اکنون نوبت شماست که صدای خود را به گوش جهان برسانید.»

یکشنبه، ۲۵ خرداد: روز سوم

نتانیاهاو یکشنبه بار دیگر اعلام کرد: «تغییر رژیم در ایران، قطعاً می‌تواند نتیجه عملیات نظامی باشد.» در این روز، هرچند شلیک‌های ایران جدی‌تر شده بود، ولی از نظر برتری نظامی، هنوز شرایط به نفع ما نبود. سخنان نتانیاهاو در این دو روز، پیام واضحی داشتند، مسئله اصلی، نه هسته‌ای و نه حتی موشکی، بلکه تغییر حکومت است.



دوشنبه ۲۶ خرداد: روز چهارم

دوشنبه، سران گروه هفت در اجلاس خود، اعلام کردند: «اسرائیل حق دفاع از خود را دارد!» بعد از ظهر همان روز، رژیم صهیونیستی در حین پخش زنده خبر، ساختمان صداوسیما را هدف قرار داد و در فاصله‌ای کوتاه، جلسه شورای عالی امنیت ملی را (که با حضور رؤسای سه قوه و مسئولان ارشد کشور تشکیل شده بود) مورد حمله قرار داد که به لطف خدا، هیچ‌یک از اعضای شورا آسیب ندیدند.



سه‌شنبه ۲۷ خرداد: روز پنجم

صبح سه‌شنبه، موشک‌های ایرانی نتایج میدانی مؤثری داشتند، مناطق مختلفی در اسرائیل از جمله چند مرکز اطلاعات نظامی رژیم مورد اصابت قرار گرفت. در این روز، بانک سپه هدف حمله هکرها قرار گرفت. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم اعلام کرد که احتمالاً تأسیسات زیرزمینی نطنز در حملات اسرائیل آسیب دیده است. ترامپ خواستار تخلیه کامل تهران شد و اعلام کرد: «ایران باید بدون قید و شرط، تسلیم شود.»



چهارشنبه ۲۸ خرداد: روز ششم

چهارشنبه، نتانیاهاو طی سخنانی اظهار داشت: «ما خاورمیانه متفاوتی خواهیم داشت. این جنگ، نقطه عطفی در تاریخ منطقه است. ما روزی ملت ایران را از استبداد نجات خواهیم داد. امروز مردم ایران باید قیام کنند. الان شرایط آن مهیا شده است!» در همان روز، رهبر جمهوری اسلامی ایران در دومین پیام تلویزیونی‌اش در جنگ در توصیف ملت ایران فرمودند: «ملت ایران نشان داد که هم متین است، هم شجاع است، هم وقت‌شناس است ... اینکه به ملت ایران بگویند بیایید تسلیم بشوید، حرف عاقلانه‌ای نیست. افراد باخرد که می‌شناسند ایران را، می‌شناسند ملت ایران را، می‌شناسند تاریخ ایران را، هرگز چنین حرفی را بر زبان جاری نمی‌کنند. تسلیم چه چیزی بشوند؟ ملت ایران تسلیم‌شدنی نیست.»



پنجشنبه ۲۹ خرداد: روز هفتم



پنجشنبه، منابع خبری از اصابت سنگین موشک‌های ایرانی حداقل در ۴ نقطه از سرزمین‌های اشغالی خبر دادند. شهردار حیفا هم روز جمعه گفت: «ایرانی‌ها توانمندی برتر خود را نشان دادند. شهر حیفا زیر حملات دقیق قرار گرفت. اسرائیل برنامه‌ای برای خروج از جنگ ندارد.»

جمعه ۳۰ خرداد ۱۴۰۴: روز هشتم



در این روز، آیت‌الله سیستانی مرجع بزرگ جهان تشیع از نجف، طی اطلاعیه‌ای هشدار داد که هرگونه سوءقصد به رهبر ایران، باعث واکنش کل منطقه خواهد شد. در چنین شرایطی، نتانیاهاو که قبل‌تر بارها تغییر حکومت در ایران را هدف جنگ معرفی کرده بود، حرف خود را پس گرفت: «تغییر یا سقوط حکومت ایران، هدف اسرائیل نیست، بلکه مسئله مردم ایران است». در این روزها، قدرت واقعی مردم ایران، به واسطه اتحاد ملت و همدلی مردم منطقه با ایرانیان بیش از پیش آشکار شد.

شنبه ۳۱ خرداد: روز نهم



در این روز اسرائیل به نقطه‌ای رسید که دیگر نمی‌توانست به تنهایی از عهده جنگ برآید. رئیس‌جمهور فرانسه که از ابتدای جنگ، آشکارا از رژیم غاصب حمایت کرده بود، از ضرورت ارائه یک پیشنهاد کامل به ایران از جانب سه کشور فرانسه، آلمان و بریتانیا خبر داد. مرشایمر، استاد برجسته علوم سیاسی آمریکایی نیز گفت: «اسرائیل در بد دردمسری افتاده. تهدید ایران به تسلیم بی‌قید و شرط، واقع‌بینانه نیست. ایران تا آخرین نفس ایستادگی خواهد کرد. با نیروی هوایی هیچ‌گاه نتوانسته‌اید کشوری را به زانو دریاورید، مخصوصاً کشوری مثل ایران. به راستی ایران در حال پیروزی است.»

یکشنبه، ۱ تیر: روز دهم

در نخستین ساعات بامداد یکشنبه، ترامپ در حمایت از تجاوز رژیم اسرائیل، دستور حمله به سه سایت هسته‌ای کلیدی ایران یعنی فردو، اصفهان و نطنز را صادر کرد، حمله‌ای که نقض آشکار حاکمیت ملی ایران و اصول حقوق بین‌الملل بود، حمله از طرف کشوری که نه تنها خودش سلاح هسته‌ای دارد، بلکه در تنها بمباران اتمی تاریخ بشریت، نزدیک به ۲۲۰ هزار نفر را به کام مرگ کشانده، به کشوری که تحت شدیدترین نظارت‌های هسته‌ای قرار دارد و به اعتراف آژانس انرژی اتمی و نهادهای اطلاعاتی آمریکا، هیچ برنامه‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد. شاید برای فهم واقعیت دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، همین اتفاق یکشنبه ۱ تیر ۱۴۰۴ کافی باشد.

نتانیاهو هم بعد این حمله گفت: «امشب، آمریکا از مسیر قدرت وارد شد... ما به شکوه خاورمیانه جدید نزدیک می‌شویم». بله، باز هم «خاورمیانه جدید»، و بیگانگانی که می‌خواهند «قدرت» برای مردم بومی این سرزمین نباشد.



دوشنبه، ۲ تیر: روز یازدهم

دوشنبه وزیر دارایی رژیم اشغالگر گفت: «ما با بحران وجودی روبه‌رو هستیم. کشورهای خلیج فارس! آلمان! فرانسه! انگلیس! کجایید؟ کمک مالی کنید...». رسانه‌های آمریکایی اعلام کردند که مقامات اسرائیلی از برخی کشورهای عربی و اروپایی خواسته‌اند که به ایران برای پایان جنگ، پیام بدهند.

اندکی پس از غروب دوشنبه، ایران در پاسخ به تجاوز آمریکا به تأسیسات هسته‌ای‌اش، پایگاه نظامی آمریکا در قطر به نام «الْعَدَید» را با ۱۴ موشک هدف قرار داد که ۶ فروند از آنها، با دقت بالا به هدف خوردند.



سه‌شنبه، ۳ تیر: روز دوازدهم

بالاخره در بامداد سه‌شنبه، توقف آتش اعلام شد، البته نه در نتیجه یک توافق دوجانبه، بلکه به خاطر درخواست طرف آغازکننده جنگ. شاید این اعتراف استیو بنن، مشاور سابق ترامپ بتواند واقعیت آتش‌بس را بهتر روشن کند: «آتش‌بس برای نجات اسرائیل بود. آنها لقمه‌های بزرگ‌تر از دهانشان برداشتند...»



چگونه دفاع کردیم؟

معمولاً وقتی می‌خواهند بفهمند که کدام طرف در جنگ پیروز شده است، با استفاده از ملاک‌هایی آن را تشخیص می‌دهند. یکی از مهم‌ترین معیارها، هدف اعلام شده از جنگ است. اگر هر یک از دو طرف جنگ، به اهدافی که دنبال می‌کرد رسیده باشد، می‌توان گفت او طرف پیروز نبرد است. اما اگر میان اهداف او و نتایج حاصل از جنگ، فاصله وجود داشته باشد، شکست خورده به حساب می‌آید. حالا یک بار دیگر روزشمار جنگ ۱۲ روزه را مرور کنید. هدف دشمن از آغاز این جنگ چه بود؟ آیا در پایان جنگ، توانسته بود به آن اهداف دست پیدا کند؟

یک معیار دیگر برای تحلیل جنگ، این است که ببینیم چطور جنگ و امور داخلی کشور در این ۱۲ روز، رهبری و مدیریت شد؟ نیروهای نظامی و دفاعی (در سطح فرماندهی و در سطح عملیات) چه عملکردی داشتند؟ آیا تسلیحات و فناوری‌های استفاده شده، مناسب با نیاز و به اندازه کافی تأمین شدند؟ و بالاخره اینکه جنگ چطور متوقف شد؟

برای بررسی بهتر، می‌توانیم سری هم به جنگ‌های دیگر بزنیم و با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های عملکرد خود در این دفاع ۱۲ روزه با آنها، ببینیم آیا در شرایط مشابه، نسبت به آن نمونه‌ها، موقعیت بهتری پیدا کرده‌ایم یا خیر؟

◀ **جنگ چالدران:** در نبرد چالدران در دوره صفویه، هرچند سربازان ایرانی با شجاعت و از خودگذشتگی، جان‌فشانی کردند، ولی به دلایلی که یکی از مهم‌ترین آنها، نداشتن سلاح‌هایی همچون توپخانه و تفنگ بود، نتوانستند از آن همه دلاوری و فداکاری بهره ببرند و بخش‌هایی از سرزمین ایران را از دست دادیم.

◀ **ایران در جنگ جهانی دوم:** با آغاز جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰، رضا شاه پهلوی، بدون هیچ مقاومتی در برابر متجاوزان، تسلیم خواسته آنها شده و استعفا کرد؛ ارتش شاهنشاهی هم بدون مقاومت مؤثر در برابر ارتش متفقین، ظرف سه روز از هم فروپاشید.

جهت اطلاع

بر اساس نظرسنجی روزنامه اسرائیلی معاریو پس از پایان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه از ساکنان رژیم صهیونیستی: تنها ۳۰ درصد از شرکت‌کنندگان اعلام کردند که معتقدند اسرائیل، پیروز این درگیری بود؛ نیمی از آنها بر این باور بودند که اسرائیل به پیروزی نرسید؛ ۱۶ درصد تأکید کردند که نتایج این جنگ برای اسرائیل، فقط تعدادی دستاورد سطحی بود و ۵ درصد هم گفتند که هیچ نظری ندارند.



همچنین می‌توانیم این تجاوز را با دیگر جنگ‌های تاریخ معاصر به‌ویژه جنگ‌هایی که رژیم اسرائیل در حدود ۸۰ سال گذشته در منطقه به راه انداخته است، مقایسه کنیم. به‌عنوان نمونه، رژیم اسرائیل در جنگ شش روزه در سال ۱۳۴۶ شمسی با حمله‌ای سریع و غافلگیرانه - همانند آنچه در جنگ ۱۲ روزه اتفاق افتاد - در عرض چند ساعت، صدها جنگنده نیروی هوایی ارتش‌های عربی را نابود کرد. در نتیجه در روز ششم جنگ، به پیشنهاد این کشورها، قرارداد آتش‌بسی به امضا رسید که طبق آن، مناطق گسترده‌ای از فلسطین، سوریه و مصر، به اشغال رژیم صهیونیستی درآمد.

◀ و اما در دفاع ۱۲ روزه ما...

نظر شما مهم است!

۱. شما برای تکمیل روز شمار جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، چه موارد دیگری می‌توانید اضافه کنید؟ چه اتفاق دیگری در این ۱۲ روز، برای شما خیلی مهم و به یاد ماندنی بود؟ روایت خود را از این دفاع ۱۲ روزه تنظیم کنید و درس‌ها و عبرت‌های قابل استفاده از آن را برای آیندگان بنویسید.
۲. به چند گروه تقسیم شوید و هر گروه با استفاده از یک معیار یا از یک زاویه مشخص، به تحلیل و ارزیابی دفاع ۱۲ روزه بپردازید. سپس، نتایج تحلیل هر گروه را به همراه شواهد و دلایل آنها در کلاس ارائه نموده و درباره آنها گفت‌وگو کنید.



بخشی از ویرانه‌های تالابو پس از حملات موشکی ایران



در همان بامداد روز اول حمله رژیم اسرائیل، نوع حملات و مناطقی که مورد هدف قرار گرفتند و شخصیت‌هایی که شهید شدند، خیلی‌ها (از مردم عادی تا نظامی‌ها) را حسابی غافلگیر کرد.

نقش آفرینی درست، شجاعانه و به موقع یک نفر، یعنی فرمانده کل قوا در میدان بود که به همه کمک کرد تا خودشان را بازیابی کنند، یکی دو ساعت از طلوع آفتاب نگذشته بود که پیام داد و گفت متجاوزان، منتظر مجازاتی سخت به دست قدرتمند نیروهای مسلح باشند. ظهر همان روز، جانشین‌های سه فرمانده ارشد شهید را مشخص کرد تا بی‌درنگ، وظایفشان را پیگیری کنند و هیچ توقفی در کارها پیش نیاید. همان شب با یک پیام تلویزیونی، به ملت اطمینان خاطر داد که نیروهای مسلح با پشت‌گرمی مردم، در برابر تروریست‌های صهیونیست با قدرت عمل می‌کنند و هیچ کوتاهی نخواهند کرد.

در طول جنگ، با وجود همه خطرات و تهدیدها، خودش در اتاق جنگ حضور داشت و به صورت حضوری، فرماندهان را توجیه می‌کرد. با پیام‌هایش در طول جنگ و بعد از آن، وضعیت جبهه خودی و دشمن را تشریح و تحلیل کرد، نقش و وظیفه هر کس را مشخص نمود و ایمان الهی، روحیه حماسه و امید به آینده را در دل مردم زنده کرد. این‌طور بود که توانست بخش‌های مختلف کشور را روی یک نقطه، متمرکز کند: ایستادگی و دفاع در برابر دشمن متجاوز.

